



IRANA ESPERANTISTO

IREA
Irana Esperanto-Asocio

سپڙاڻديشان

پاڻي

N-ro: 45, Dua Serio, Printempo 2023

Kultura sezon-revuo en Esperanto, la persa, la araba kaj la kurda

فصلنامه‌ی فرهنگی چندزبانه اسپرانتو، فارسی، کردی و عربی

شماره ۴۵، دوره دوم، بهار ۱۴۰۲



La 10-a Irana Esperanto-Kongreso

JE LA NOMO DE POSEDANTO DE ANIMO KAJ PRUDENTO

IRANA ESPERANTISTO

Pajam-e Sabzandiŝan
(Mesaĝo de Verd-ideanoj)
ISSN 1728-6174

IRANA ESPERANTISTO
Kultura kaj sendependa sezon-revuo internacia
Dua serio, N-ro 45, Printempo 2023

Bonvenas eseoj, artikoloj, raportoj kaj kontribuaj kondiĉe ke ili ne estu publikigitaj antaŭe. Bonvenas kultur-temaj kontribuajoj ĉu en Esperanto ĉu en la persa, la kurda, aŭ la araba.

Ĉia presa aŭ elektronika citado aŭ eldonado de materialoj de IRANA ESPERANTISTO, ĉu originale ĉu tradukite en aliajn lingvojn, estas permesata. Bonvole menciu pri la fonto kaj la originala lingvo (t.e. Esperanto aŭ la persa) kaj se eble, informu nin pri eldonaĵo en kiu aperis io de aŭ pri IRANA ESPERANTISTO aŭ/kaj sendu ciferecan kopion al ni: info@espero.ir.

به نام خداوند جان و خرد

سبزاندیشان

فصلنامه‌ی پژوهشی - فرهنگی چندزبانه‌ی اسپرانتو، فارسی، کردی و عربی

دوره دوم، شماره چهل و پنجم، بهار ۱۴۰۲
شماره استاندارد بین‌المللی (ISSN):
۱۷۲۸-۶۱۷۴
تاریخ انتشار نخستین شماره: پاییز ۱۳۸۱

نقل مطالب مجله با ذکر منبع و ماخذ جایز است و از استفاده کنندگان درخواست می‌شود یک نسخه الکترونیکی یا تصویر از نشریه‌ای را که در آن مطلبی به نقل از این مجله درج شده است به نشانی اینترنتی مجله ارسال کنند.

مسئولیت مطالب مندرج در این مجله برعهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.

گرافیک و حروفچینی: سبزاندیشان

نشانی‌ها:

پایگاه اینترنتی: www.espero.ir
پست الکترونیک: info@espero.ir

همکاران تحریریه این شماره:

- * احمد رضا ممدوحی
- * فرشیده عربشاهی
- * شلر کریمی
- * کیهان صیادپور
- * حمزه شفیعی
- * علی مرادی

Plejofte uzataj mallongigoj

AOK: Azia Oceania Kongreso
ILEK: Irana Literatura Esperanto Konkurso
IrEA: Irana Esperanto-Asocio
IrEJO: Irana Esperantista Junulara Organizo
IrEK: Irana Esperanto-Kongreso
IrLEI: Irana Ligo de Esperantistaj Instruistoj
KAOEM: Komisiono pri Azia-Oceania Esperanto Movado
UEA: Universala Esperanto Asocio
UK: Universala Kongreso

Irana Esperantisto
akceptas anoncojn.

مجله سبزاندیشان آماده پذیرش آگهی می‌باشد.

Kontribuantoj ĉi-numere:

- * Ahmad Reza Mamduhi
- * Farshide Arabshahi
- * Shler Karimi
- * Keyhan Sayadpour
- * Hamzeh Shafiee
- * Ali Moradi



Kovrila Paĝo:
La 10-a Irana Esperanto-Kongreso
Lasta Paĝo:
Poemo de Ángel Arquillos López

طرح روی جلد:
دهمین همایش اسپرانتوی ایران - بابلسر
طرح پشت جلد:
شعری از آنجل آرکیلس لویز

Transe de glacia monto
staras ĉarma ĝardeno,
tien, birdo fluge
transiras.

ورای کوه منجمدی
باغ زیبایی هست
بدان سو، پرندهای پروازکنان
عبور می‌کنند.



En ĉi tiu numero:

در این شماره:

- 4 Antaŭ ĉio..
- 4 E-kurso en Univ. de Tehrano
- 5 Novaĵoj
- 6 Pri la 10-a IrEK
D-ro Keyhan Sayadpour
- 7 La rezolucio de IrEK-10
Ahmadreza Mamduhi
- 8 Du raportetoj pri IrEK-10
Shler Karimi, Farshide Arabshahi
- 10 Mesaĝo de la prez. de UEA
Tradukis perse: Hamzeh Shafiee
- 13 Rezentantoj de UEA en...
Tradukis perse: Nazi Solat
- 14 Post-Esperanta Mondo...
Sean O Riain
- 18 Humaneco kaj Solidareco
Julian Modest
- 20 Degelado de Arkta Glacio
Tradukis: Ali Moradi
- 33 Gazetaraj Komunikoj de UEA
- 36 Revuo-Prezento
Pola Esperantisto
- 36 Paĝoj en la Kurda Lingvo
Shler Karimi
- 36 Paĝoj en la Araba Lingvo
D-ro Keyhan Sayadpour



- 4 قبل از هر چیز ...
- 4 آموزش اسپرانتو در دانشگاه تهران
- 5 اخبار
- 6 درباره دهمین همایش اسپرانتوی ایران
دکتر کیهان صیادپور
- 7 قطعنامه دهمین همایش اسپرانتوی ایران
احمدرضا ممدوحی
- 8 گزارش‌های کوتاه از بخش حضوری همایش
شهر کریمی، فرشیده عربشاهی
- 10 پیام رییس سازمان جهانی اسپرانتو
ترجمه: حمزه شفیعی
- 13 نمایندگان UEA در نشست سازمان ملل
ترجمه: نازی صولت
- 14 دنیای پسا اسپرانتو
شان او ریاین، ترجمه: حمزه شفیعی
- 18 انسانیت و همبستگی
یولیان مودست
- 20 آب شدن یخ‌های قطبی ...
ترجمه: علی مرادی
- 33 بیانیه‌های مطبوعاتی
بیانیه مطبوعاتی سازمان جهانی اسپرانتو
- 36 معرفی مطبوعات اسپرانتو
معرفی نشریه اسپرانتیست لهستانی
- 36 صفحات کردی
شهر کریمی
- 36 صفحات عربی
کیهان صیادپور

Antaŭ ĉio...

La plejparto de ĉi tiu numero estas dediĉita al la 10-a Irana Esperanto-kongreso (IrEK-10), kiu okazis en du partoj, ĉeeste kaj virtuale, de la 27-a ĝis la 30-a de aprilo ĉi-jare. Laŭ mi, ĉi tiu numero de la revuo havas unu el la plej riĉaj kaj legeblaj enhavoj. La tre atentindaj paroloj de "Duncan Charters", la prezidanto de UEA, same kiel la vortoj de "Sean O'Reine", elstara irlanda diplomato, estas inter la gravaj atingoj de IrEK-10. Pro la graveco de tiuj vortoj kaj ilia ligo kun la ĉeftemo de la Kongreso, "Post-esperanta Mondo", la persa traduko de ambaŭ prelegoj kune kun la originala teksto estas prezentita al la legantoj en ĉi tiu numero.

La printempo finiĝas dum diversaj programoj por nia Esperanto-agado estas planitaj kaj preparitaj. Interretaj kunsidoj por praktiki Esperanto-konversacion, vizaĝ-al-vizaĝaj renkontiĝoj, kaj artikol-legadaj sesioj estas inter tiuj programoj. Informoj pri la tempo kaj loko de ilia okazigo estos anoncigitaj per sociaj retoj.

Kaj nun, komence de la somera sezono kaj pli da libertempo, kun ferioj kaj vojaĝoj, mi invitas ĉiujn legantojn de la revuo pli kontribui per sendo de novaĵoj, raportoj, artikoloj kaj enhavoj rilataj al Esperanto por inkluzivi en venontaj numeroj.

Dezirante al ĉiuj agrablan someron,

Hamzeh Shafiee

قبل از هر چیز...

بخش عمده این شماره از مجله به دهمین همایش اسپرانتوی ایران اختصاص دارد که در دو بخش حضوری و مجازی در روزهای هشتم تا دهم اردیبهشت امسال برگزار شد.

تصور می‌کنم این شماره از مجله، یکی از غنی‌ترین و خواندنی‌ترین محتواها را در خود داشته باشد. سخنان بسیار شنیدنی «دانکن چارترز»، رئیس سازمان جهانی اسپرانتو و همچنین سخنان «شان او ریاین»، دیپلمات برجسته ایرلندی، از دستاوردهای مهم دهمین همایش اسپرانتوی ایران هستند که به دلیل اهمیت این سخنان و ارتباط آن با موضوع اصلی کنگره (دنیای پسااسپرانتو)، ترجمه فارسی هر دو همراه با متن اصلی در این شماره تقدیم خوانندگان می‌شود.

فصل بهار امسال در حالی به پایان می‌رسد که برنامه‌های متنوعی برای فعالیت‌های اسپرانتویی برنامه‌ریزی و تدارک دیده شده است. جلسات آنلاین تمرین مکالمه اسپرانتو، نشست‌های دوره‌می حضوری و جلسات آنلاین مقاله‌خوانی از جمله این برنامه‌ها هستند که اخبار مربوط به زمان و مکان برگزاری آن‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی اطلاع‌رسانی خواهد شد.

و اینک در آغاز فصل تابستان و فراغت بیشتری که با تعطیلات و سفر همراه است، همه خوانندگان مجله را به همکاری بیشتر از طریق ارسال اخبار، گزارش، مقاله و محتوای مرتبط با اسپرانتو برای درج در شماره‌های آتی دعوت می‌کنم. منتظر دریافت مطالب شما هستیم.

منتظر شماره آینده با گزارش‌هایی از یکصد و هشتمین کنگره جهانی اسپرانتو که در ایتالیا برگزار می‌گردد، و مطالب متنوع خواندنی دیگر باشید.

برای همگی تابستانی دلچسب و مطبوع آرزو دارم.

ارادتمند، حمزه شفیعی

La dua Esperanto-kurso okazis ĉeeste kaj virtuale en la Universitato de Teherano.

Post la okazigo de la unua Esperanto-kurso ĉeeste kaj virtuale pasintjare kunlabore kun la "Scienc-Studenta Turisma Asocio de Teherana Universitato", la 1-an de majo komenciĝis la dua enkonduka Esperanto-kurso same kiel pasint-jare. Tiuj ĉi kursoj, kiuj estis planitaj kaj efektiviĝitaj post okazigo de seminarioj por enkonduki la Esperanto-lingvon en la universitatoj de Ŝirazo, Allameh Tabatabai, Hamadano, Mazandarano, Payam Noor kaj Isfahano, povas esti konsiderataj kiel efikaj kaj komencaj paŝoj por enkonduki kaj promocii Esperanton en universitatoj kaj altlernejoj.

دومین دوره آموزش زبان اسپرانتو به صورت حضوری و مجازی در دانشگاه تهران برگزار شد.

در پی برگزاری نخستین دوره آموزش اسپرانتو به صورت حضوری و مجازی در سال گذشته با همکاری «انجمن علمی-دانشجویی گردشگری دانشگاه تهران»، دومین دوره مقدماتی اسپرانتو از دهم اردیبهشت همانند سال گذشته به دو صورت مجازی و حضوری آغاز شده و در پایان خردادماه به اتمام رسید.

این دوره‌ها که پس از برگزاری سمینارهای معرفی زبان اسپرانتو و تشکیل کلاس‌های آموزشی در دانشگاه‌های شیراز، علامه طباطبایی، صنعتی همدان، مازندران، پیام نور و صنعتی اصفهان برنامه‌ریزی و اجرا گردیده‌اند، را می‌توان به عنوان گام‌های موثر و آغازی برای شناساندن و ترویج بکارگیری زبان اسپرانتو در عرصه دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی دانست.

انجمن اسپرانتوی ایران ضمن تشکر و قدردانی از همیاری جامعه دانشگاهی که زمینه‌های برگزاری چنین دوره‌هایی را فراهم نموده‌اند، آمادگی خود را جهت همکاری و فعالیت در امر شناساندن زبان اسپرانتو و قابلیت‌های آن از طریق برگزاری سمینارهای آشنایی و دوره‌های آموزشی اعلام می‌دارد.

مکان دهمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری و صنایع وابسته تهران

انجمن علمی-دانشجویی گردشگری دانشگاه تهران

با همکاری سازمان جهانی اسپرانتو (داری روابط رسمی با سازمان ملل متحد و یونسکو) برگزار می‌کند:

دوره آموزش زبان بین‌المللی اسپرانتو (مجازی و حضوری)

اسپرانتو، ساده‌ترین زبان دنیا و زبان جهانگردان

با دانستن زبان اسپرانتو در مسافرت‌های بین‌المللی از پرداخت پول برای اقامتگاه معاف شوید

ادگیری فوق‌العاده سریع، زبانی بسیار ساده‌تر از زبان انگلیسی و دیگر زبان‌های دنیا

اسپرانتو، زبان صلح و دوستی است؛ یک زبان غنی و بی‌طرف در علم و هنر

تاریخ برگزاری: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲

مدرس‌ها

جناب آقای احمدرضا ممدوحی
سرنامنده سازمان جهانی اسپرانتو در ایران

جناب آقای حمزه شفیعی
عضو مادام‌العمر سازمان جهانی اسپرانتو

با ارائه مدرک معتبر از دانشگاه تهران

بنک ثبت نام و اطلاعات بیشتر

ut_tourism

اسپرانتو در نشست مهم رهبران سازمان ملل متحد

در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۳، «کمیته سازمان‌های غیردولتی زبان‌ها» با همکاری نمایندگی‌های دائمی کشورهای مختلف و هیئت ناظر دائمی فرانکفونی، نشست ویژه‌ای را با رهبران سازمان ملل تشکیل دادند تا در مورد موضوع چندزبانگی و درک متقابل بحث کنند. این جلسه چند زبانه و با ترجمه به شش زبان رسمی سازمان ملل و علاوه بر آن به اسپرانتو بود. این نشست نشان‌دهنده قوی‌ترین استفاده از اسپرانتو در نشست رهبران و اعضای سازمان ملل تا به امروز و لحظه‌ای موفق در استراتژی سازمان جهانی اسپرانتو برای ترویج چندزبانگی در سازمان ملل و گشودن درها به روی استفاده از بسیاری از زبان‌ها از جمله اسپرانتو، برای دیدگاه جهانی گسترده‌تر است.

در این نشست، پروفیسور همفیری تونکین از «سازمان جهانی اسپرانتو» و هانس بکلین از «سازمان جهانی جوانان اسپرانتودان» و همچنین کارشناس علمی پروفیسور مارک فتنس از «مرکز تحقیقات و مستندسازی مسائل زبان جهان» و دانشگاه سیمون فریزر، سخنان خود را به زبان اسپرانتو بیان کردند. سایر سخنوران از عربی، انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی و روسی استفاده می‌کردند.

چندزبانگی یک پیش نیاز ضروری برای ایجاد تفاهم و همبستگی بین مردم و ملت‌ها بر اساس برابری، و برای به اشتراک گذاشتن دانش و شناسایی راه‌حل‌های مشترک برای چالش‌هایی است که جهان با آن مواجه است. چندزبانگی برای متحد کردن جامعه ملل در نقطه تصمیم و تضمین ارتباطات دو طرفه مؤثر در تحقق آن ضروری است.

این مقاله با شرح کامل در وب سایت خبری «موج اسپرانتو» (*La Ondo de Esperanto*) منتشر شده است.

<https://sezonoj.ru/2023/06/un-10>



La unua amika esperantista kunveno en Ĉitgar lago

La kunveno okazis la 16-an de junio kun partopreno de 9 personoj. La kunveno okazis en la bordo de Ĉitgar artefarita lago kaj estis la unua tiaspeca kunveno post la pandemio.

همزمان با برگزاری دهمین همایش اسپرانتوی ایران

نخستین دوره انتخاب «اسپرانتودان سال ایران» برگزار شد.

در ایام قبل از همایش دهم اسپرانتوی ایران و زمانی که نشست‌های منظم برای برنامه‌ریزی و تدارک برگزاری همایش صورت می‌گرفت، پیشنهاد انتخاب «اسپرانتیست سال ایران» با الگو گرفتن از جایزه «اسپرانتیست سال» مطرح و با نظر اکثریت مورد تایید قرار گرفت. با بحث‌های صورت گرفته و پس از تعیین ویژگی‌های لازم برای احراز شایستگی انتخاب شدن به عنوان اسپرانتودان سال، برای نخستین دوره این جایزه، آقای سپهر بهلول با نظر اکثریت واجد شرایط شناخته شده و در حین برگزاری همایش دهم، طی یک برنامه اختصاصی به جامعه اسپرانتودانان معرفی شدند. دیپلم افتخار نخستین دوره این جایزه توسط حمزه شفیعی به نمایندگی از انجمن اسپرانتوی ایران در یکی از ساعات برگزاری کلاس‌های حضوری آموزش اسپرانتو در دانشگاه تهران به آقای بهلول تقدیم گردید. برای معرفی آقای بهلول و شرح فعالیت‌های ایشان، در تدارک انجام مصاحبه‌ای با نامبرده هستیم که در شماره آتی به نظر خوانندگان مجله خواهد رسید.



۱- اسپرانتیست سال (به اسپرانتو: *Esperantisto de la Jaro*)، عنوان جایزه‌ای است که همه‌ساله به فعالین برتر در دنیای اسپرانتو اهداء می‌گردد. گزینش اسپرانتیست سال توسط هیئتی از داوران بین‌المللی، زیر نظر سردبیران ماهنامه موج اسپرانتو (به اسپرانتو: *La Ondo de Esperanto*) انجام می‌پذیرد. این جایزه اولین بار در سال ۱۹۹۸ به چهره سرشناس دنیای اسپرانتو، ویلیام الد فقیه اهداء گردید.



Irana movado, malgraŭ ĝia longa historio, ne organizis kongreson ĝis 2012. Niaj prauloj ne kredis pri la bezono de kongreso por aktiva movado. En 2012 okazis la unua, kun centoj da iranaj esperantistoj kaj deko da eksterlandaj en hotelo Shahr en Tehrano. Certe multaj deziris esti parto de la historia unua Esperanto kongreso en Irano.

En la dua partoprenis pli malmulte. Dum la sinsekvo de kvin postaj kongresoj, niaj klopodoj celis finance sendependigi la kongresojn. Ni sukcesis atingi nian celon kaj eĉ fari la kongresojn la ĉefa fonto de enspezo por nia asocio.

Por la sesa en 2019 ni antaŭeniris plu. Ni organizis la unuan internacian kunvenon en Irano. Temas pri la deka kunveno de Mezorianta kaj Nordafrika komisiono de UEA (MONA kunveno). La sesa kongreso estis parto de tiu kunveno kaj ni ne organizis apartan.

Venis la pandemio kaj ni devis decidi pri la sepa. Nuligi? Ne. Laŭ la spertoj pri medicinaj rondoj de mia hospitalo, ni organizis grandan virtualan kongreson. Multaj admiris nian sepan kongreson kaj same okazis la oka kaj naŭa.

Por la deka, ni deziris viziti unu la aliajn kaj ankaŭ ne perdi la profitojn de virtualeco. Do ni organizis du partan kongreson. La ĉeesta en Babolsar en la nova sanatorio de s-ro Azarhushang, kaj la virtuala en Zoom kiel pasintaj jaroj. Ni gratulas kaj dankas lin kaj lian edzinon, d-inon Karimi, pro iliaj klopodoj kaj gastemo.

Laŭ la ciferoj, la kongreso estis nek sukcesa nek malsukcesa. Sed la plej rimarkebla punkto estis la kongresejo de la fizika duono. S-ro Azarhushang lernis Jumehio-terapion en Japanio de la majstro Saioji. Li havis tiun oportunun ĉar li estis esperantisto. Li poste multe praktikis la terapion en Irano. Mi pensas ke la sanatorion li konstruis almenaŭ parte danke al la monoj kiuj li gajnis per Jumehio. Unuvorte, la kongreso okazis en kongresejo kiun nek prunteprenis esperantistoj, nek dediĉis ili. Sed la kongresejo estis konstruita per Esperanto. Tio montras formon de matureco. Normale Esperanto dependas de esperantistoj. Por atingi finan venkon, ni bezonas maturiĝon. Kiel infano kiu ne povas marŝi, kaj iom post iom lernas tion fari per helpo kaj finfine iam marŝas sendepende.

La tre bona informo estas ke s-ro Mohammadzadeh konstruis novan lernejon en sudirana turisma insulo Kish. Ni gratulas lin kaj dankas pro lia invito organizi la 11-an kongreson venontjare tie. Li ankaŭ multe uzis Esperanton kiel komercisto kaj plejeble Esperanto havis rolon en tiu atingo. Do la sanatorio de s-ro azarhushang ne estas sola.

Keyhan Sayadpour



LA REZOLUCIO DE LA 10-A IRANA ESPERANTO-KONGRESO

La 10-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-10) okazinta de la 27a ĝis la 30a de aprilo 2023 ĉeeste kaj virtuale, kun 23 iranaj aliĝintoj al la ĉeesta parto, kaj 53 aliĝintoj al la virtuala parto el 18 landoj,

- Debatis pri la aktualaj problemoj de la Esperanto-movado en Irano kaj en la mondo.*
- Analizis la internaciajn rilatojn en la nuna mondo el la vidpunktoj politikaj, ekonomiaj, kulturaj kaj sekve lingvaj*
- Reasertis, ke la internacia lingvo Esperanto estas nenio alia ol klopodo enkonduki justecon en la mondon en la kampo lingva-kultura kaj protekti ĉiujn kaj ĉies lingvajn homajn rajtojn kaj ke la lernado de Esperanto faciligas la lernadon de aliaj fremdaj lingvoj.*
- Esprimis la deziron, ke rilate al naciaj lingvoj nun uzataj kiel internaciaj lingvoj, oni objektive kaj science mezuru la nivelon de la kapablo de la dualingvaj parolantoj efektive uzi ilin.*
- Prilumis la grandajn diferencojn inter la nuna mondo kaj la mondo, en kiu Esperanto estos akceptita kiel la komuna neŭtrala dua lingvo. En tiu mondo centra valoro estos la respekto al ĉiuj popoloj grandaj kaj malgrandaj kaj la egaleco de ĉiuj homoj kaj de ĉiuj kulturaj valoroj. Fakte temos pri mondo, en kiu la eterna lukto inter potenculoj kaj malpotenculoj estos io de la pasinteco.*
- Esprimis la esperon, ke la nun komencighanta procedo por alveni al mondo multpolusa enhavu ankaŭ kulturan kaj lingvan dimension.*



Raporteto pri la ĉeesta parto de la deka irana esperanta kongreso

La deka irana esperanta kongreso okazis en bela loko kaj etoso. Ĉifoje Babolsar en nordo de Irano gastigis iranajn geesperantistojn. La kongresejo donis tre komfortan kaj plaĉan senton al partoprenantoj kiuj ne estis tiom multaj sed ili estis el diversaj urboj de Irano. Ĉeesta parto de la kongreso okazis en du tagoj, 27 kaj 28 de aprilo, ĵaŭdo kaj vendredo. En ĵaŭdo post inaŭguro la prelegantoj prelegis pri interesaj temoj.

La unua preleganto estis la prezidanto de Irana Esperanto Asocio, sinjoro Kejhan Sajadpur kiu raportis la jaran aktivadon de la asocio. Poste sinjoro Ŝafii kiel kasisto de la irana esperanta asocio raportis pri la enspezoj kaj elspezoj de la asocio kaj la situacio de membriĝo en irana asocio. La tria preleganto estis sinjorino Zahra Karimi ke sia vice, ŝia prelego tre plaĉis al mi ĉar temis pri la povo de iranaj virinoj kaj ŝi komparis la ŝanĝojn en la laborkampo tute kaj speciale en virinaj laborkampoj laŭ la tempopaso en Irano, la partoprenantoj per siaj demandoj al prelegantoj pli fruktodonis la programon kaj prelegojn.

Poste venis la tempo de tagmanĝo, (la dolĉa tempo en ĉiuj esperantaj kongresoj) kaj geesperantistoj ĝuis la deliciajn lokajn manĝaĵojn. Post preskaŭ unu horo paŭzo kaj bongusta manĝaĵo, komencis la aŭkciadon. En tiu programo estis vendataj la esperantaj libroj kaj simboloj kaj partoprenantoj konkurante aĉetis librojn kaj simbolojn de Esperanto.

La kvara prelego kiun faris sinjoro Saed Abasi estis pri lia sperto dum pandemio (kronviruso) en Ĉinio kaj post tiu prelego mi persone pensis ke eble post tiu terura situacio en la tuta mondo, nuntempe oni pli bone malkovras la valoron de la vivo. La posta preleganto estis sinjoro Azarhuŝang kaj li tre interese parolis pri sia nova naturkuracmetodo kiun li uzas por kuraci siajn paciencojn en Jumeiho-terapio, Tio montris al ni ke en nuntempa moderna mondo, diversaj kuracmetodoj povas esti utilaj

por solvi eĉ la terurajn sanproblemojn kaj tio ne limitas al nur kemiaj medikamentoj sed ankaŭ naturaj metodoj helpas multe. La lastan prelegon faris sinjoro Kejhan Sajadpur pri la eblecoj por gajni monon per Esperanto, Ho jes, ankaŭ tio estis interesa kaj alloga prelego kaj ĝi donis al ni novajn ideojn por uzi esperanton aliflanke. La finalo de la prelegoj komenciĝis per la libroservo (vendado kaj prezentado de esperantaj libroj kaj gazetoj) kaj komuna fotado. La unuan tagon de kongreso ĉi tiel finiĝis kaj la postan tagon, vendredo estis la tago de ekskurso kaj kelkaj el partoprenantoj ĝuis la ekskurseton en la belega loko de Babolsar kiu nomiĝas Dariakenar. Apud la maro kun la freŝa aero kaj belega pejzaĝo donis la revan senton al ni. Tiu ekskurseto estis la plej bona finaĵo por la deka irana esperanta kongreso.

Shler Karimi

Kaj jen alia Raporteto...

Post longa tempo venis novaĵo de Esperanto Kongreso en Irano, kiu okazis en bela urbo Babolsar. Tio estis en san-komplekso de D-ro Azar Houshang.

Mi kaj mia amikino Akram veturis unu tagon antaŭ la malfermo de la kongreso.

Laŭ mia antaŭa intertraktado kun D-ro Azar Houshang, li afable aranĝis loĝejon por ni ĉe la kongresejo. Tie ni loĝis kun 2 Kurdaj esperantistinoj. Mi konis Shler Karimi de IrEK-1, kie ni renkontis unu la alian en Tehrano.

Unua tago de kongreso komencis kun prelegoj de Dr-o Sayadpour, D-ino Azar Karimi, S-ro Shafiee, kaj S-ro Abbasi. Meztage ni tag-manĝis kune. Kaj poste D-ro Azar Houshang montris al ni diversajn partojn de la san-komplekso. Ni ankaŭ faris belajn grupajn fotojn.

En alia parto ankaŭ funkciis Esperanta libro-ekspozicio.

La duan tagon ni havis ekskurson kaj promenado en Darja kenar. Estis sunplena tago post 2 nubaj tagoj. Ni ankaŭ veturis per boato kun S-ro Shafiee kaj lia edzino.

Estis tre belaj memoroj kaj spertoj. Ni praktikis Esperanton kaj lernis multajn de unu la alia.

Mi esperas havi pli kaj pli da Esperantaj kunsidojn.

Farshideh Arabshahi



Salut-parolo de Prof. Duncan Charters al la 10-a Irana Esperanto-Kongreso

Saluton kaj bonan tagon al ĉiuj.

Por mi, kiel prezidanto de UEA estas granda plezuro povi denove saluti la Iranan Esperanto-Kongreson - mejloŝtona -10a renkontiĝo de la Irana Esperanto-Asocio. UEA nun estas meze de strategia laborplanado por la estonteco, kaj sekvas kaj kuraĝigas kun granda intereso ĉiun fortostreĉon por imagi pli bonan mondon. Antaŭ kelkaj jaroj Monica Heller, tiama prezidanto de la Amerika Asocio de Antropologio, prenis ekzemplon por admoni siajn kolegojn. Laŭ ŝi, d-ro Zamenhof sukcesis kie plej multaj antropologoj tute malsukcesis pri sia respondeco. Zamenhof ne estis kontenta studi kaj akcepti la mondon en kiu li vivis, la tiutempan aŭ pasintan. Tion daŭre faradas plej multaj antropologoj. Zamenhof komprenis ion kerne gravegan: por ke la mondo povu progresi, necesis ne akcepti la tradician historian ideon pri la ĝisnuna mondsituacio, kaj provi masaĝi ĝin por mildigi ĝiajn hereditajn problemojn. Necesis koncepti tute alian mondon en kiu la premisoj estus draste ŝanĝitaj. Mi ofte mencias kaj tion ripetis en la maja numero de la revuo Esperanto, ke mia unua lernejestro kiam mi estis eble naŭjarulo, en duonminuto komentis al ni la jenon: "La mondo bezonas internacian lingvon. Tiu lingvo jam ekzistas. Ĝia nomo estas Esperanto. Tamen bedaŭrinde la esperantistoj nenion faras por efektiviĝi ĝian uzadon." Interesa kulpigo, morala devo kiun apogantoj de la ideo ne plenumis, tiel suferigante la mondon kiu atendis naturan postmilitan transiron de tiama lingva ĥaoso al la plej bona solvo por la komunikproblemoj de la internacia komunumo kiu prenis kiel gvidan principon egalecan vojon al interkompreniĝo. Por akceptigi tiun solvon, necesus du kondiĉoj: ke la uzantoj de Esperanto maksimume pliperfektigu sian instrumenton por ke neniu dubu pri ĝia evidenta taŭgeco por respondi al la bezono (tio inkluzivus la ideon de Viko pri la maleŭropigo de la lingvo, kion mi vidas kiel ne nur lingva sed ankaŭ kultura defio). Kaj due, ke ni povu klare montri al la mondo la atendeblajn rezultojn de ĝia transpreno per

پیام پروفیسور دانکن چارترز، رئیس سازمان جهانی اسپرانتو، خطاب به دهمین همایش اسپرانتوی ایران

سلام و روز به خیر به همگی.

برای من، به عنوان رئیس اتحادیه جهانی اسپرانتو، بسیار مایه خوشحالی است که مجدداً کنگره اسپرانتو ایران - دهمین کنگره انجمن اسپرانتو ایران - را تبریک بگویم. در حال حاضر، انجمن جهانی اسپرانتو در حال برنامه‌ریزی استراتژیک برای آینده است و با علاقه شدید هر تلاشی را برای تصور یک جهان بهتر دنبال و تشویق می‌کند. چند سال پیش، مونیکا هلر، رئیس پیشین انجمن آمریکایی آنتروپولوژی، به همکاری‌اش نمونه‌ای را به عنوان یک تذکر برای آن‌ها مثال آورد. به نظر او، دکتر زامنهوف در مسئولیت خود موفق شد در حالی که بسیاری از آنتروپولوژیست‌ها در مورد مسئولیت خود ناموفق بودند. زامنهوف راضی نبود که جهانی که در آن زندگی می‌کرد را بپذیرد و برای حل مشکلات آن تلاش کرد. این کار را بسیاری از آنتروپولوژیست‌ها هم انجام می‌دهند. زامنهوف چیزی بسیار مهم را درک کرده بود: برای پیشرفت جهان، لازم است که ایده‌آل‌ها و تصورات ما در مورد جهان تغییر کنند. برای این منظور، لازم است که جهان جدیدی را تصور کنیم که فرضیات آن به شدت تغییر کرده باشند. من اغلب به این نکته اشاره می‌کنم و در شماره‌ی اخیر مجله اسپرانتو نیز تکرار کرده‌ام که معلم اول من، وقتی حدود نه سال داشتم، در نیم دقیقه به ما گفت: "جهان به یک زبان بین‌المللی نیاز دارد. این زبان وجود دارد و نامش اسپرانتو است. اما متأسفانه اسپرانتیست‌ها هیچ کاری برای استفاده از آن نمی‌کنند." این اتهام جالب، وظیفه اخلاقی که پشتیبانان ایده به آن پاسخ ندادند، جهان را که در انتظار گذر طبیعی پس از جنگ، و در جستجوی بهترین راه حل برای مشکلات ارتباطات بین‌المللی بود، به شدت آزار داد. برای پذیرفتن این راه‌حل، دو شرط لازم است: نخست، کاربران اسپرانتو باید وسیله خود را به حداکثر کارایی برسانند تا هیچ کس در مورد کارایی آن شک نداشته باشد (این شامل ایده ویکو^۱ در مورد تبدیل زبان به یک زبان غیراروپایی است که من آن را نه تنها یک چالش زبانی بلکه یک چالش فرهنگی نیز می‌بینم). و دوم اینکه، ما باید بتوانیم به جهان نتایج قابل پیش‌بینی به‌کارگیری آن را نشان دهیم؛ نتایجی که تأثیر تغییردهنده‌ای در زندگی و روابط ما با دیگران

^۱ اسپرانتودان اسپانیایی پروفیسور دانشگاه سویل

ĝia transforma efiko en niaj vivoj kaj rilatoj kun niaj kunhomoj. Se ni ne vivus ĝiajn premisojn kaj idealojn per inteligenta kaj paciga komunikado en nia propra komunumo, kiel admonis Zamenhof mem, ni ne estus kreintaj la bazon por ĝia akcepto.

Claude Piron, samnaciato kiel nia tuj posta prezentanto Mirejo Grosjean, asertis ke tiom bonas la ideo de Esperanto ke pli aŭ malpli frue ĝi nepre akceptiĝos. Antaŭa prezidanto de UEA, Profesoro D-ro Ivo Lapenna - kun la titoloj - simile antaŭvidis ke la logika supereco de Esperanto super ne tiel raciaj solvoj proponataj de aliaj pro orgojlo pri la propra lingvo, nacio kaj kulturo nepre ĝin venkigus. Kompreneble nia lerta komunikado, informado pri ĝiaj jamaj atingoj, kaj konscia subfosado de antaŭjuĝoj per konstateblaj faktoj, plirapidigus ĝian akcepton.

Okazas ke esperantistoj kiuj ĝuas sian relative etan, komfortan, jes eĉ ekskluzivan komunumon konscie aŭ nekonscie rezistas ĝian plivastiĝon, kaj eĉ predikas kontraŭ ĝia fina venko aŭ ni diru ĝeneralan akceptiĝon. Mi memoras kunvenon en kiu oni faris al Ivo Lapenna nekutiman demandon pri la estonteco de Esperanto. Post la akcepto de nia lingvo por tutmonda komunikado, ĉu la Esperanto-movado perdus sian rolon, sian ekziston? Lapenna evidente jam pripensis tiun evoluon, klarvide kaj detale respondante ke estus eĉ pli grava la sindediĉo de la esperantistoj al defendo de la evoluprincipoj de la lingvo, kun konservado kaj profundigo de ĝia kultura bazo. Tio certigus ĝian daŭran nedisdialektiĝon, kaj ĝian nutradon de la plej altaj kulturaj kaj etikaj valoroj de la homaro. La tasko de la esperantistoj en la post-Esperanta mondo ne malaperus, sed pligraviĝus.

Konstante evoluas nia agado, kaj IREA dum la pasintaj jaroj montris la vojon per faciligo de teknologiaj rimedoj por venki la krizon, sanan kaj sekve komunikan de la pasintaj tri jaroj. Ni eksperimentas per kombino de ĉeestaj kaj hibridaj eventoj, kaj por antaŭenigi Esperanton tiu kombino povos resti kiel kerna instrumento cele al mondo kie Esperanto estos akceptita kiel la plej natura kaj logika komunikilo kaj pacfaciligilo post kiam ĝi ne plu estos mem la celo. Necesas sento de komunumo kiun apogas rektaj interpersonaj, do ĉeestaj rilatoj. La nuancojn kaj konotaciojn de tiuj rektaj rilatoj povas speguli nek interpretistoj, aŭtomata tradukado, aŭ

darnd. اگر ما ایده‌آل‌ها و اصول اسپرانتو را به وسیله ارتباطات هوشمند و صلح‌آمیز در جامعه خود زندگی نکنیم، همانطور که زامنهوف هشدار داد، ما نخواهیم توانست پایه پذیرش آن را به وجود آوریم.

کلاود پیران، هموطن من و همچنین سخنران بعدی میریو گروژان، اظهار داشته‌اند که ایده اسپرانتو به حدی خوب است که دیر یا زود در نهایت قطعاً پذیرفته خواهد شد. رئیس پیشین انجمن جهانی اسپرانتو، پروفیسور دکتر ایوو لاپنا به همین شکل پیش‌بینی کرد که برتری منطقی اسپرانتو نسبت به راه‌حل‌های غیرمنطقی ارائه شده توسط دیگران در مورد زبان، ملیت و فرهنگ، آن را پذیرفته خواهد کرد. البته، ارتباطات هوشمند ما، اطلاع‌رسانی در مورد دستاوردهای ما و تحقیقات هوشمندانه در مورد پیش‌فرض‌های ما با استفاده از واقعیت‌های قابل مشاهده، پذیرش آن را تسریع خواهد کرد.

گاهی اسپرانتیست‌هایی که از جامعه نسبتاً کوچک، راحت و حتی انحصاری خود لذت می‌برند، آگاهانه یا ناآگاهانه در برابر گسترش آن مقاومت می‌کنند و حتی در برابر پذیرش کلی آن مبارزه می‌کنند. یادم هست که در یک جلسه، از ایوو لاپنا سؤالی غیرعادی در مورد آینده اسپرانتو پرسیده شد. آیا پس از پذیرش زبان ما به عنوان یک راه‌حل برای ارتباطات جهانی، جنبش اسپرانتو نقش وجودی خود را از دست خواهد داد؟ لاپنا به وضوح این تحول را پیش‌بینی کرده بود و با پاسخ دقیق و جزئی به این سؤال به ما گفت که حتی بعد از پذیرش جهانی این زبان، وظیفه اسپرانتیست‌ها در دفاع از اصول تکامل زبان و حفظ و تقویت پایه فرهنگی آن بسیار مهم است. این باعث می‌شود که زبان بدون دیالکت‌های مختلف شده و با تغذیه از بالاترین ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی بشر، به پایداری خود ادامه دهد. وظیفه اسپرانتیست‌ها در دنیای پس از اسپرانتو از بین نخواهد رفت، بلکه بیشتر خواهد شد.

فعالیت‌های ما همواره در حال تکامل است و انجمن اسپرانتو ایران در طول سه سال گذشته با بکارگیری ابزارهای فناوری برای غلبه بر بحران بهداشتی و در پی آن ارتباطات، راه درست را به ما نشان داد. اکنون ما ترکیب رویدادهای حضوری و هیبریدی را آزمایش می‌کنیم و برای پیشرفت اسپرانتو، این ترکیب می‌تواند به عنوان یک ابزار اصلی برای دنیایی که در آن اسپرانتو به عنوان دستاورد برای ارتباطات صلح‌آمیز و منطقی پذیرفته شده است، باقی بماند، حتی پس از آن که اسپرانتو دیگر هدف اصلی نباشد. لازم است که حس جامعه‌ای که توسط روابط مستقیم بین افراد پشتیبانی می‌شود، وجود داشته باشد. جزئیات و تأثیرات این روابط مستقیم ممکن

artefarita intelekto, kiu prezentas aŭtentajn danĝerojn kiam la uzantoj ne atentigas la eventualajn sekvojn de ĝia ĉiam pli vasta uzo se ne regata de etikaj principoj. Tamen necesas por ni ankaŭ virtuala komunikado, por ke tiuj membroj de nia plivastiĝanta komunumo kiuj ne kapablas vojaĝi kaj ĝui internaciajn kongresojn kaj per-esperantan turismon kaj interkulturan kleriĝon, povu havi tujan aliron al la benoj de nia transnacia tuttera komunumo. Granda avantaĝo por la estonteco, se ni regas la teknokologiojn kaj ne lasas ĝin regi nin.

Do mi salutas vin ne kiel kutime komence de kongreso, sed meze. Vi jam havis la okazon interagi dum viaj unuaj du tagoj en Babolsaro, kaj nun vi etendas la kongreson al la tuta mondo invitante spektadon de tergloba publiko kaj partoprenon de kelkaj el la plej kleraj kaj dediĉitaj pensantoj pri la estonteco de nia lingvo kaj komunumo.

Kredeble multaj el vi ne memoras la epokon, antaŭ precize duonjarcento, kiam furoris la futurologio, spronita de libro de Alvin Toffler, Future Shock, futura ŝoko, kaj filmo bazita sur ĝi. Toffler avertis pri la psikologia skuo kiun kaŭzus la trorapida evoluo de la teknologio kaj la neeviteblaj ŝanĝoj en homa konduto kaj rilatoj. Eble ne pri ĉiuj liaj premisoj kaj supozoj ni povas nun konsenti, retrospektive, sed ni ne povas eviti konscii ke ni psikologie suferas la efikon de la evoluo kiun li antaŭvidis. La evoluo de Artefarita Intelekto, kiun reliefigas la maja numero de la revuo Esperanto (kiel vi respondis al la Al-portreto de d-ro Zamenhof?) certe plu skuos la homaron kiu troviĝos en la daŭro de nur kelkaj jaroj en profunde ŝanĝita do pli malcerta mondo.

Do jen niaj defioj, konscii pri tiuj evoluoj. Pensi pri la post-Esperanta mondo kiu necesas se la homaro postvivu la nunan epokon, postulu la ĉesigon de militado, atencojn kontraŭ etika homa konduto, kaj edukadon al tiu paca interkompreniĝo kiu povos realiĝi, sed multe pli malfacile sen Esperanto ol kun la lingvo kiu ne estu nur nia, sed la kara posedajo de pliprogresinta, pli justa, kaj pli amema mondo.

Ni entuziasme lernu de tiuj du tagoj por plikonsciigi kaj plani pri nia vojo antaŭen.

Dankon.

است توسط مترجمان، ترجمه خودکار و یا هوش مصنوعی نشان داده نشوند، که در صورت عدم توجه به اصول اخلاقی، خطرات واقعی برای کاربران ایجاد می‌کند. با این حال، برای ما ارتباطات مجازی هم لازم است، تا اعضای جامعه گسترده ما که قادر به سفر و شرکت در کنگره‌های بین‌المللی و گردشگری غیر اسپرانتو و یادگیری فرهنگی نیستند، بتوانند به طور فوری به منافع جامعه بین‌المللی ما دسترسی داشته باشند. اگر ما فناوری را کنترل کنیم و به آن اجازه ندهیم ما را کنترل کند، این یک مزیت عظیم برای آینده است.

بنابراین من نه طبق معمول در ابتدای یک کنگره، بلکه در میانه آن به شما سلام می‌کنم. شما قبلاً در دو روز اول کنگره با حضورتان در بابل‌سر این فرصت را داشتید که با هم تعامل داشته باشید و اکنون با دعوت از مخاطبان جهانی برای تماشا و مشارکت برخی از تحصیل‌کرده‌ترین و برجسته‌ترین متفکران درباره آینده زبان و جامعه ما، کنگره را به سراسر جهان گسترش می‌دهید.

احتمالاً بسیاری از شما آن زمان را به یاد نمی‌آورید، دقیقاً نیم قرن پیش، زمانی که آینده‌پژوهی با کتابی از آلون تافلر، شوک آینده، و فیلمی بر اساس آن، محبوب شد. تافلر نسبت به تحولات روانی ناشی از توسعه سریع فناوری و تغییرات اجتناب‌ناپذیر در رفتار و روابط انسانی هشدار داد. شاید ما نتوانیم در حال حاضر، با نگاهی به گذشته، در مورد همه فرضیات و پیش‌بینی‌های او به توافق برسیم، اما نمی‌توانیم از درک این موضوع اجتناب کنیم که از نظر روانی از تأثیر پیشرفت که او پیش‌بینی کرده بود رنج می‌بریم. توسعه هوش مصنوعی، که در شماره ماه مه مجله اسپرانتو به آن اشاره شده است (شما چگونه به تصویر هوش مصنوعی دکتر زامنهوف پاسخ دادید؟) قطعاً باعث تحولات در بشریتی خواهد شد که در چند سال آینده در جهانی که به شدت تغییر کرده، قرار خواهد گرفت.

بنابراین آگاهی از این تحولات، چالش‌های ما هستند. اندیشیدن به جهان پسا اسپرانتو که اگر بشریت بخواهد در دنیای پس از عصر حاضر زندگی کند، باید خواهان توقف جنگ، تهدیدها علیه رفتار اخلاقی انسانی، و آموزش در جهت درک متقابل صلح آمیز باشد که می‌تواند تحقق یابد، اما تحقق آن بدون اسپرانتو بسیار دشوارتر است.

بیا بید با اشتیاق از این دو روز کنگره درس بگیریم تا بیشتر آگاه شویم و برای آینده برنامه‌ریزی کنیم.

با تشکر

شرکت سه نماینده سازمان جهانی اسپرانتو در پنجاه و دومین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل

ترجمه: نازی صولت

بشر سازمان ملل که دهم مارس ۲۰۲۳ برابر با بیستم اسفند ۱۴۰۱ برگزار شد، شرکت کردند. موضوع اصلی نشست:

چالش‌ها و فرصت‌های اعمال کامل حقوق کودکان در فضای مجازی - چگونه می‌توان در چهارچوب‌های قانونی و عملی از حقوق کودکان در اینترنت، حمایت و حفاظت کرد.

کودک و نوجوان لازم است در برابر انتشارات مستهجن و سوءاستفاده‌هایی که به راحتی به وسیله اینترنت در دنیای واقعی، در دسترس قرار می‌گیرد حفاظت شوند. به ویژه پس از دوران پاندمی ناشی از ویروس کووید-۱۹، استفاده از ارتباط‌های اینترنتی، از جمله به وسیله نوجوانان، بسیار گسترده شد. بیشتر وقت‌ها این تماس‌ها بدون کنترل بزرگ‌ترها و والدین انجام می‌شد.

از این رو، نمایندگان دولتی، سازمان‌های غیر دولتی و نمایندگان کودکان و نوجوانان، خواستار حفاظت موثر در برابر چنین سوءاستفاده‌های جنایی شدند.

بسیاری کودکان و نوجوانان به طور روزافزون از اینترنت، برای اعمال غیرقانونی و فعالیت‌های مستهجن، استفاده می‌کنند که سبب شد برای نجات سلامتی جسم و روان کودکان و عواقب آن، فراخوان داده شود.

همچنین شرکت‌های اینترنتی باید به سرعت، کنترل و مقررات شدیدی برای استفاده از خدماتشان، با هدف بیشترین محافظت از جوانان در برابر اینگونه اعمال جنایتکارانه و مخرب، به کار بندند.

در فراخوان یکی از مخاطبان، در مورد لزوم اطمینان از آموزش کودکان به زبان مادری خودشان شنیدیم؛ تا به خوبی پیام را دریافت کرده باشند.

Stefano Keller از این موضوع مطلع شد که امکان حضور واقعی دوباره در نشست‌ها و باخبر شدن از قوانین مربوطه، وجود دارد.

از این پس با داشتن مجوز ورود امسال سازمان ملل در ژنو، اعضای تیم سازمان جهانی اسپرانتو (UEA) امکان شرکت در برنامه‌های کامل آینده را خواهند داشت، به ویژه در بحث‌های مربوط به حقوق زبانی آن، با امکان مداخله گفتاری (بر اساس قوانین جدید)

منبع: مجله اسپرانتو شماره آوریل ۲۰۲۳

Malferme | UN | UEA

Tri reprezentantoj de UEA, el la Ĝeneva UN-teamo, eklaboris, partoprenante en la 52-a sesio de la Homrajta Konsilio

Alain Favre, Nicole Margot kaj Stefano Keller

Alain Favre, Nicole Margot kaj Stefano Keller, reprezentantoj de UEA ĉe UN en Ĝenevo, ĉeestis en la 52-a sesio de la Homrajta Konsilio la 10-an de marto 2023.

La ĉefa temo de la tago estis: La defioj kaj ŝancoj por la plena praktikado de siaj rajtoj fare de infanoj en la cifereca medio - kiel laŭleĝaj kaj politikaj kadroj povas esti plifortigitaj por subteni la rajtojn de infanoj en la interreto - kun akompanaj protektaj aranĝoj.

La infanoj kaj junuloj devas esti defendataj kontraŭ pomografiaj retaj publikaĵoj kaj misuzoj, facile atingeblaj en la aktuala mondo. Ĉefe post la pandemia periodo de la viruso Kovim-19, kiam la uzo de retaj konektaĵoj - i.a. de gejunuloj - forte kreskis, plej ofte sen kontrolo-blo fare de plenkreskuloj, gepatroj.

La intervenantoj (ŝtatreprezentantoj, NRO-delegitoj, infanoj kaj junuloj) alvokis por pli erika protekto de la junularo kontraŭ tiaj krimaj misuzoj.

La retan ĉeeston de multaj infanoj uzis kaj datire uzas por siaj kontraŭleĝaj agoj diversaj pomografie aktivaj krimuloj kontraŭ kiuj oni alvokis por apliko de severaj kontroloj kaj intervenoj, por savi la infanojn de gravaj prisantaj, mensaj konsekvencoj.

Ankaŭ la retkonektojn provizantaj kompanioj, firmaĵoj devus tre rapide enkonduki striktajn kontrolojn kaj regulojn de uzebloj de iliaj servoj, cele al maksimuma protekto de la junularo kontraŭ tiaj krimaj agoj, detruantaj vivojn.

En alvoko de unu el la alparolantoj, ni aŭdis pri la neceso certigi ke la edukado de infanoj okazu en ilia gepatra lingvo, i.a. por ke ili bone komprenu la mesaĝon.

Stefano Keller informigis - ĉe kunlaborantino de la UN-oficejo por rilatoj kun NRO-reprezentantoj - pri la aktuale denove ebla ĉeesta partopreno en kunsidoj, kaj koncerne regulojn pri alparoloj.

Ekde nun, posedante la ĉi-jaran entpermesilon de UN en Ĝenevo, eblis al membroj de la UEA-teamo partopreni en la kompleta programo de venontaj eventoj, kaj ĉefe en ties lingvorajte rilataj diskutoj, per alparola interveno (laŭ novaj reguloj).



Postesperanta mondo - kio malhelpas nin atingi tion?

Preleg-teksto de Seán Ó Riain por la 10-a Irana Esperanto-Kongreso

جهان پسااسپرانتو - چه چیزی مانع رسیدن به آن است؟

متن سخنرانی شان او ریاین در دهمین همایش اسپرانتوی ایران

ترجمه: حمزه شفیعی

Karaj samideanoj, karaj geamikoj,

Estas granda honoro kaj plezuro paroli denove ĉe la esperanta kongreso de Irano, kaj mi elkore dankas al Ahmad pro la invito. Irano havas reputacion de bonega agado por Esperanto dum multaj jardekoj, kaj mi tre ĝojas ke tiu agado daŭras.

Ĉiuj Esperanto-parolantoj konsentus, ke mondo, kiu jam adaptis Esperanton kiel sian internacian lingvon, estus pli bona kaj pli justa mondo. Ni laboras por krei tian mon-don dum pli ol kvin generacioj. Kiu estas la faktoroj, kiuj bremsas nian progreson? Kaj kiel ni povas plej bone venki tiujn obstaklojn?

Kiu estas la ĉefaj obstakloj al pli disvastigita uzo de Esperanto, kaj kiel ni superu ilin?

Laŭ mia sperto, la ĉefa obstaklo estas du obstinaj ideoj: a) ke "Esperanto ne havas kulturon"; kaj b) ke Esperanto celas anstataŭi aliajn lingvojn. Ni traktu ilin unu post la alia.

"Esperanto ne havas kulturon": La pli efika rimedo kontraŭ tiu tre ofta antaŭjuĝo estas la oficiala agnosko sendependaj landoj de Esperanto kiel parto de sia kultura heredaĵo. Tion faris Pollando en 2014 kaj Kroatio en 2019. Chu Irano povus oficiale agnoski Esperanton?

"Esperanto celas anstataŭi aliajn

هم‌آرمانان عزیز، دوستان گرامی

باز هم مفتخر هستم که در کنگره اسپرانتوی ایران حضور دارم و از احمد (ممدوحی) بابت دعوت از من سپاسگزارم. ایران برای بیش از چند دهه شهرت خوبی در زمینه فعالیت برای اسپرانتو داشته و من خیلی خوشحالم که این فعالیت هنوز هم ادامه دارد.

تمام صحبت کنندگان اسپرانتو موافق هستند که جهانی که اسپرانتو را به عنوان زبان بین‌المللی خود پذیرفته باشد، جهان بهتر و عادلانه‌تری است. ما برای ساختن چنین جهانی بیش از پنج نسل است که کار می‌کنیم. چه عواملی پیشرفت ما را مختل می‌کنند؟ و چطور می‌توانیم بهترین راه حل برای غلبه بر این موانع را پیدا کنیم؟

عوامل اصلی مختل‌کننده گسترش بیشتر اسپرانتو چیستند و چگونه می‌توانیم بر آنها فائق آییم؟

به نظر من، مانع اصلی دو ایده سرسختانه است: الف) "اسپرانتو فرهنگ ندارد" و ب) اینکه اسپرانتو به جای زبان‌های دیگر قرار است استفاده شود. بیایید به ترتیب، به آنها بپردازیم.

"اسپرانتو فرهنگ ندارد": بهترین راهکار برای مقابله با این پیش‌داوری شاید تأیید رسمی کشورهای مستقل اسپرانتو به عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود باشد. کشور لهستان در سال ۲۰۱۴ و کرواسی در سال ۲۰۱۹ این کار را کردند. آیا ایران می‌تواند اسپرانتو را به صورت رسمی تأیید کند؟

"اسپرانتو به جای زبان‌های دیگر قرار است استفاده شود". هیتلر در کتاب "مبارزه من" نوشت

lingvojn". Jam en sia libro Mein Kampf (Mia Lukto), la germana diktatoro Adolf Hitler skribis ke "kiam la judoj prenos povon en la tuta mondo, por faciligi al si la mondregadon ili trudos Esperanton al ĉiuj, kaj detruos ĉiujn naciajn lingvojn kaj kulturojn". Skribante tion, Hitler esprimis la sentojn kaj timojn de multaj homoj, ne nur de politikaj ekstremistoj. Estas iom paradokse ke homoj timas ke Esperanto povus detruigi siajn naciajn lingvojn, sed tute ne rimarkas la veran danĝeron, kiu venas ne de Esperanto sed de la angla. Lastatempe pli kaj pli da homoj malfermas la okulojn al tiu danĝero, ekzemple la itala parlamento nun kon-sideras leĝon por defendi la propran lingvon en Italio, kaj por kontraŭi la angligon de la itala.

La kvanto da mono elspezita tutmonde por instrui la anglan, precipe ekde 1945, estas kolosa, kaj preskaŭ nekalkulebla. Se vi kredus la ofte aŭdatan propagandon, vi pensus ke "ĉiuj jam parolas la anglan". Iu ajn, kiu loĝis en neanglalingva lando, scias, ke tio ne veras. Multaj homoj en multaj landoj konas iomete la anglan lingvon, sed nur eta malplimulto scias ĝin sufiĉe bone por esti komforta uzi ĝin. La solaj objektivaj ciferoj, kiujn ni havas por Eŭropo, ekzemple, SurveyLang 2012, testis atingojn en fremdlingvoj nur ĝis la nivelo B2, "ĉar tiuj, kiuj atingas la nivelon C1, por ne mencii C2, estas malpli ol 1% (elcento) de lernantoj".

Kvankam multaj atribuas ĉi tiun malsukceson al la propra malbona lingvolernado, la vera kialo povas esti la multaj kaŝitaj malfacilaĵoj de la angla. La angla estas tro malfacila por esti regata profunde, kiel gepatra lingvo, de tuta loĝantaro, kaj povas produkti nur eliton, kiu flue parolas la anglan, ekskludante la plimulton de la loĝantaro. La sperto de mia propra lando, montris tion klare: por ke la tuta loĝantaro pa-rolu flue la anglan, ni devis

ke "hنگامي که يهوديان در سراسر جهان قدرت را به دست آورند، برای آسان کردن حکومت جهاني به خودشان، اسپرانتو را برای همه تحمیل خواهند کرد و تمام زبان‌ها و فرهنگ‌ها را نابود خواهند کرد". با نوشتن این جمله، هیتلر احساسات و ترس‌های بسیاری از مردم را بیان کرد، نه فقط افراد سیاسی افراطی. عجیب است که مردم از این بیم دارند که اسپرانتو ممکن است زبان مادری‌شان را نابود کند، اما به خطر واقعی که نه از طرف اسپرانتو، بلکه از طرف زبان انگلیسی برای آنها پیش می‌آید، توجه نمی‌کنند. اخیراً، بسیاری از مردم چشمان خود را به این خطر باز کرده‌اند، به عنوان مثال، پارلمان ایتالیا در حال حاضر به قانونی برای حفاظت از زبان خود در ایتالیا و مبارزه با انگلیسی‌سازی آن فکر می‌کند.

مقدار پولی که در سراسر جهان برای آموزش زبان انگلیسی، به ویژه از سال ۱۹۴۵ به بعد، صرف شده است، بسیار زیاد و تقریباً غیرقابل محاسبه است. اگر شما به تبلیغات معمول گوش دهید، فکر می‌کنید "همه اکنون زبان انگلیسی را صحبت می‌کنند". هر کسی که در یک کشور غیر انگلیسی‌زبان زندگی کرده باشد، می‌داند که این درست نیست. بسیاری از مردم در بسیاری از کشورها به زبان انگلیسی آشنایی دارند، اما تنها یک اقلیت بسیار کوچکی آن را به اندازه کافی خوب می‌شناسند که بتوانند از آن استفاده کنند. تنها ارقام موضوعی که برای اروپا داریم، نظرسنجی SurveyLang در سال ۲۰۱۲ است که فقط تا سطح B2 در زبان‌های خارجی تست شده است، "زیرا کسانی که به سطح C1، می‌رسند، کمتر از ۱٪ (یک درصد) از دانش‌آموزان هستند، در مورد سطح C2 که اصولاً در حد نزدیک به صفر است".

اگرچه بسیاری از مردم این شکست را به دلیل سیستم نادرست آموزشی خود می‌دانند، اما واقعیت می‌تواند مشکلات پنهان زبان انگلیسی باشد. زبان انگلیسی برای تسلط کامل به آن همانند زبان مادری تمام جامعه، خیلی مشکل است و فقط می‌تواند الیتی را تولید کند که به طور آسان از این زبان استفاده می‌کنند و بخش اکثریت جامعه از آن مستثنی هستند. تجربه کشور خودم این را به وضوح نشان داد: برای اینکه کل جمعیت به راحتی انگلیسی صحبت کنند، باید زبان ملی خود، ایرلندی (زبان گالی) را کنار بگذاریم.

forlasi nian propran nacian lingvon, la irlandan (gaelan lingvon).

Unu sekvo de tiu malsukceso estas la ekonomia rigideco en Eŭropo, akzemple, kiun montras la fakto, ke nur 2% de EU-civitanoj loĝas kaj laboras en aliaj landoj krom sia naskiĝlando. Kvankam lingvaj diferencoj ne estas la sola kialo por ĉi tiu malalta movebleco, klaras, ke ili estas ŝlosila faktoro.

Lingvisto iam diris al mi, ke se nur 10% de la mondaj elspezoj por instrui la anglan estus deturnitaj al la instruado de Esperanto, ekestus 2 sekvoj: unue, post unu generacio ĉiuj homoj en la mondo povus paroli unu al la alia flue kaj facile; kaj due, la nivelo de scio de la angla fakte kreskus, kaj ne malkreskus! Tio okazus pro la propedeŭtikaj, aŭ lernfaciligaj, ecoj de Esperanto.

La Europa Komisiono (Eurydice) publikigis en aprilo 2023 la rezultojn de studo pri instruado de fremdaj lingvoj en Eŭropo. Tiu raporto montras la fiaskon de la EU politiko pri multlingveco, ĉar 98.3% de infanoj en la lernejo de la EU-landaro lernas la anglan, kaj ke la lernado de la dua fremda lingvo stagnas. Tio ne estas multlingva Eŭropo, estas anglingva Eŭropo.

Civitana Konferenco pri la Estonto de Eŭropo, 2021-22. En tiu ĉi konferenco okazis la plej grava lastatempa atingo de la Esperanto-komunumo en Eŭropo. La konferenco ricevis pli ol 16,000 proponojn de civitanoj ĉie en Eŭropo. En la areo de kulturo kaj edukado la plej populara ideo estis nia MLA-propono, koncerne la uzadon de mallongaj Esperanto-kursoj por plibonigi lingvolernadon ĝenerale. Bedaŭrinde, la anglalingva cerbolavado estas tiel forta en Eŭropo, ke la konferenco ignoris sian plej popularan edukan proponon, kaj anstataŭigis ĝin per rekomendo, ke ĉiuj infanoj en Eŭropo atingu akcepteblan nivelon de la angla!

MLA. Kiel vi scias, la plej freŝa programo

be عنوان مثال، یکی از پیامدهای این شکست، سختی اقتصادی در اروپا است که با این واقعیت نشان داده می‌شود که تنها ۲ درصد از شهروندان اتحادیه اروپا در کشورهایی غیر از کشور محل تولد خود زندگی و کار می‌کنند. اگرچه تفاوت‌های زبانی تنها دلیل این تحرک کم نیست، اما واضح است که آنها یک عامل کلیدی هستند.

زمانی یک زبان‌شناس به من گفت که اگر تنها ۱۰ درصد از هزینه‌های آموزش زبان انگلیسی صرف آموزش زبان اسپرانتو شود، ۲ پیامد به دنبال خواهد داشت: اول اینکه پس از یک نسل، همه مردم جهان می‌توانند با یکدیگر صحبت کنند. روان و آسان؛ و ثانیاً سطح دانش زبان انگلیسی در واقع افزایش می‌یابد و کاهش نمی‌یابد! این امر به دلیل ویژگی‌های آموزشی یا تسهیل‌کننده یادگیری اسپرانتو اتفاق می‌افتد.

کمیسیون اروپا (Eurydice) در آوریل ۲۰۲۳ نتایج یک مطالعه در مورد آموزش زبان‌های خارجی در اروپا را منتشر کرد. این گزارش نشان‌دهنده شکست سیاست اتحادیه اروپا در مورد چندزبانگی است، زیرا ۹۸٫۳ درصد از کودکان در مدارس کشورهای اتحادیه اروپا انگلیسی یاد می‌گیرند و یادگیری دومین زبان خارجی تقریباً متوقف شده است. اینجا اروپای چندزبانه نیست، اروپای انگلیسی‌زبان است.

کنفرانس شهروندان در مورد آینده اروپا، ۲۰۲۱-۲۲. در این کنفرانس مهم‌ترین دستاورد اخیر جامعه اسپرانتو در اروپا رقم خورد. این کنفرانس بیش از ۱۶۰۰۰ پیشنهاد از شهروندان سراسر اروپا دریافت کرد. در زمینه فرهنگ و آموزش، محبوب‌ترین ایده، پیشنهاد ما تحت عنوان «شتاب‌دهنده چندزبانگی (MLA)» در مورد استفاده از دوره‌های کوتاه اسپرانتو برای بهبود یادگیری زبان به طور کلی بود. متأسفانه شست‌وشوی مغزی زبان انگلیسی در اروپا آنقدر قوی است که کنفرانس مذکور، این محبوب‌ترین پیشنهاد آموزشی را نادیده گرفت و به جای آن توصیه کرد که همه کودکان در اروپا به سطح قابل‌قبولی از زبان انگلیسی برسند!

MLA همانطور که می‌دانید، جدی‌ترین برنامه برای نشان دادن ویژگی‌های تسهیل‌کننده یادگیری اسپرانتو برنامه «شتاب‌دهنده چند زبانه» است که توسط

por montri la lernfaciligajn ecojn de Esperanto estas la programo Mult-Lingva Akcelilo, financita de la Eŭropa Komisiono en 2018 ĝis 2019. Ĉi tiu programo estis por 8-9-jaraj bazlernejoj en 3 bazlernejoj en Bulgario, Kroatio kaj Slovenio. Ĝi instruis zorge elektitan kaj tre limigitan kvanton de Esperanto, por akceli kaj plibonigi la postan lernadon de aliaj lingvoj. Grava novigo: la projekto estis elpensita por instruistoj, kiuj mem ne parolas Esperanton, kaj povis esti realigita fare de ili post 1-semajna trejna kurso. La projekto nun finiĝis kaj ĉiuj ĝiaj celoj realiĝis.

En decembro 2022 la Komitato pri Kulturo kaj Edukado de la Eŭropa Parlamento (CULT) publikigis gravan studon titolitan 'La aliro de Eŭropa Unio al multlingvismo en sia propra komunika politiko'. Paĝoj 84-85 de la studo emfazas la gravecon de dualingva lernado, kaj citas kiel ekzemplon la programon MLA.

La studo estas elŝutebla de:

[http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2022/699648/IPOL_STU\(2022\)699648_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2022/699648/IPOL_STU(2022)699648_EN.pdf)

La oficiala resumo en la angla troveblas ĉi tie:

[https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2022/699648/IPOL_STU\(2022\)699648\(SUM01\)_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2022/699648/IPOL_STU(2022)699648(SUM01)_EN.pdf)

EGE GRAVE: la prezento de Esperanto kiel faciligilo por lerni aliajn lingvojn ŝajnas esti aparte efika metodo por neniigi la malveran kredon ke Esperanto celas anstataŭi aliajn lingvojn. Ni prezentu Esperanton kiel amikon de multlingvismo kaj de pli efika lingvolernado!

Kun plezuro mi aŭskultos viajn komentojn, kaj provos respondi al viaj demandoj.

Seán Ó Riain

کمیسیون اروپا در سال های ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹ تامین مالی شده است. این برنامه برای دانش آموزان ۸ تا ۹ ساله مدارس ابتدایی در ۳ مدرسه در بلغارستان، کرواسی و اسلوانی بود. به منظور تسریع و بهبود یادگیری دیگر زبان های بعدی، مقدار بسیار محدود و با دقت انتخاب شده ای از اسپرانتو را آموزش می داد. یک نوآوری مهم: این پروژه برای معلمانی که خودشان به اسپرانتو صحبت نمی کنند ابداع شد و می توانست توسط آنها پس از یک دوره آموزشی ۱ هفته ای اجرا شود. این پروژه در حال حاضر به پایان رسیده و تمام اهداف آن محقق شده است.

در دسامبر ۲۰۲۲، کمیته فرهنگ و آموزش پارلمان اروپا (CULT) پژوهش مهمی را با عنوان «رویکرد اتحادیه اروپا به چندزبانگی در سیاست ارتباطی خود» منتشر کرد. صفحات ۸۴-۸۵ این پژوهش بر اهمیت یادگیری زبان دوم تاکید می کند و برنامه MLA را به عنوان مثال ذکر می کند.

این پژوهش را می توان از آدرس زیر دانلود کرد:

[http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2022/699648/IPOL_STU\(2022\)699648_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2022/699648/IPOL_STU(2022)699648_EN.pdf)

خلاصه رسمی آن به زبان انگلیسی را نیز می توانید در اینجا بیابید:

[https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2022/699648/IPOL_STU\(2022\)699648\(SUM01\)_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2022/699648/IPOL_STU(2022)699648(SUM01)_EN.pdf)

بسیار مهم: به نظر می رسد ارائه اسپرانتو به عنوان یک تسهیل کننده برای یادگیری زبان های دیگر، روشی موثر برای از بین بردن این باور نادرست است که اسپرانتو قصد دارد جایگزین زبان های دیگر شود. بیابید اسپرانتو را به عنوان دوست چندزبانگی و یادگیری موثرتر زبان معرفی کنیم!

با کمال میل به نظرات شما گوش خواهیم داد و سعی می کنم به سوالات شما پاسخ دهم.

شان او ریاین

HUMANECO KAJ SOLIDARECO

Preleg-teksto de Julian Modest por la 10-a Irana esperanto-Kongreso

La ĉefaj trajtoj de la internacia lingvo Esperanto estas humaneco kaj solidareco. Jam en la komenco, kiam d-ro Zamenhof ekkreis la lingvon, lia fundamenta celo estis, ke Esperanto servu al la humaneco kaj solidareco inter la homoj.

En “Deklaracio pri Homaranismo” Zamenhof skribis: “Mi estas homo, kaj la tutan homaron mi rigardas kiel unu familion.”

La humaneco kaj solidareco estas partoj de nia vivo. La homo estas socia estaĵo kaj ni ne povas imagi nian vivon sen la humaneco kaj solidareco, nek en familia vivo, nek en niaj sociaj rilatoj. Tial estas tre grave, ke ni komprenu, ke ni ĉiam estas ligitaj al la homoj kaj ni rilatu al ili kiel al fratoj.

Tiu ĉi nia sinteno estas tre necesa por la paca ekzisto de la homaro. La homaro bezonas unuecon. Ĉiuj ni profitas el la kulturaj valoroj de la mondo. Ni konstante devas strebi al humaneco kaj solidareco, ĉar nur tiel ni povas vivi en paco kaj interkompreno kun la aliaj homoj kaj kun la homoj el diversaj nacioj kaj landoj.

La humaneco kaj solidareco instigas nin helpi al la homoj, kiuj suferas, kiuj havas malfacilaĵojn. Ni ne povas esti indiferentaj al la homa malfeliĉo kaj ni devas rilati al la homoj frate kaj amike. Tiu ĉi nia rilato estas grava por la unuigo de la homaro. La humaneco kaj solidareco estas dialogo kun la aliaj kaj solvo de la problemoj inter la homoj. Tiu ĉi dialogo devas esti sincera, amika kaj honesta. Tiu ĉi dialogo devas konstrui bonajn rilatojn kaj ne detrui ilin. Ĝi devas unuigi kaj ne disigi.

La solidareco estas universala kaj ĝi ekzistas en diversaj sferoj de la vivo. Nur dank’ al la humaneco kaj solidareco ni povas vivi en harmonio kun si mem kaj kun la aliaj homoj. Nur tiam ni povas esti trankvilaj. Kiam kun la aliaj homoj ni agas honeste kaj sincere, ni estos certaj, ke ili same rialtos al ni honeste kaj sincere.

Zamenhof esprimis sian ĉefan ideon pri humaneco kaj solidareco en sia poezio kaj ni nepre devas mencii la Esperantan himnon “La espero”

Sur neŭtrala lingva fundamento,
Komprenante unu la alian,
La popoloj faros en konsento
Unu grandan rondon familian.

La espero, L. L. Zamenhof

La kreinto de Esperanto per siaj unuaj poemoj

donis ekzemplon por aliaj Esperanto-poetoj sekvi liajn ideojn kaj same esprimi sian firman konvinkon, ke Esperanto servas kaj servos al humaneco kaj solidareco. Elokventa ekzemplo estas alia talenta Esperanto-poeto, Antoni Grabowski. Grabowski (1857-1921) estas polo, inĝeniero. Li posedis 30 lingvojn. Dum la Unua Mondmilito Grabowski tradukis ‘Sinjoro Tadeo’ de Adam Mickeviĉ. Li estas aŭtoro de pluraj libroj kaj tradukoj en Esperanton kaj en sia poemo “La tagiĝo” Grabowski emfazas:

Per amo al hejmo, patrujo, naci’,
Ni flamas en koro fidela.
Kaj same fidelaj al hejma altar’,
Ni sentas nin filoj de l’ tuta homar’.

La tagiĝo, Antoni Grabowski

En tiu ĉi poemo ni vidas, ke por Antoni Grabowski la homaro devas havi unu saman celon – la kunvivado kaj la kunlaboro, ke la homaro devas esti unuigita kaj tio povas okazi nur dank’ al la humaneco kaj solidareco inter la homoj el la tuta mondo kaj la unua paŝo al la paca kunekzistado estas la Internacia Lingvo.

Alia konata poeto Vsevolod Ivanov atentigas la Esperantaj legantojn, gardi la homecon, gardi la amikecon kaj solidarecon inter la geesperantistoj kaj tion li esprimas en sia poemo “Ĉielregno”.

Homecon vian gardu kun ĵaluzo.
(Ĝi estas via ŝildo kaj reklam’.)
Kaj ne forgesu lasi sen akuzo
Murdiston fian! For malam’!

Ĉielregno, Vsevolod Ivanov

La plej gravas, ke malamo inter la homoj ne ekzistu. La homoj devas per ĉiuj rimedoj venki la malamon kaj vivi en paco, esti veraj homoj, kiuj pretas helpi unu al alia, kompreni iliajn zorgojn, ĉagrenojn kaj malfacilaĵojn.

Unu el la plej elstaraj Esperantaj poetoj, en kiuj poemoj la ĉefa temo estas humaneco kaj solidareco, estas Julio Baghy, hungaro, (1891-1967), verkisto, aktoro. Dum la Unua Mondmilito Baghy estis militkaptito kaj pasigis ses jarojn en siberia kaptiteco. Dum tiu ĉi tempo li tre aktivis por Esperanto. Post la fino de la milito Baghy dediĉis sin al Esperanto, gvidis kursojn, fondis Esperanto-klubojn, vojaĝis kiel Cheh-instruisto.

Li verkis poemojn, romanojn, dramojn en

Esperanto. Liaj poemoj ravas nin per humaneco, per la granda amo al la homoj, per la preteco helpi al la homoj kaj en ĉiu homo vidi fraton kaj samideanon. Tre bela, tre homeca estas lia poemo “Ĉe samovaro”, en kiu sentebblas la homa doloro, la kompatato, la deziro kompreni la homajn problemojn, strebojn, revojn.

Ĉe malnova amovaro
Sidas rusoj kaj hungaroj
Dum la akvo zume bolas
La amikoj ekparolas:

“Havi landon en libero,
Tamen migri tra la tero,
Iri vojon, sed sencelan...
Ĉu vi konas pli kruelan?”

Ĉe samovaro, Julio Baghy

Same la elstara Esperanta poeto Kalman Kalocsay bone komprenas, ke la plej granda valoro de Esperanto estas, ke ĝi unuigas la homojn, ke dank’ al la Internacia Lingvo, la esperantistoj sentas sin kiel anojn de granda monda familio. Kalocsay(1891-1976) estas hungaro, ĉefkuracisto, ĉefredaktoro de “Literatura Mondo”, la plej prestiĝa Esperanta literatura revuo. Li verkis plurajn poemojn kaj tradukis gravajn klasikajn verkojn en Esperanton. En sia poemo “Kongresa runo” Kalocsay diras:

Gentaj grupoj glorie formas,
Fandas fratan familion,
Raven rondon sub radioj
De l’eterna esperstelo.

Kongresa runo, K. Kalocsay

Ni ĉiuj scias la signifan kontribuon en la originala Esperanto-poezio de la hungaraj Esperanto-poetoj. Per siaj verkoj ili kreis la faman Budapeŝtan Skolon. Alia hungara poeto, kiu klare esprimas sian konvinkon, ke Esperanto estas la lingvo, kiu instigas la homojn al humaneco kaj solidareco estas Imre Baranyai (1902-1961), hungaro, pentrajaganto, unu el la gvidantoj de la hungara laborista Esperanto-movado, aŭtoro de Esperanta lernolibro. Liaj verkoj aperis en diversaj Esperanto-revuoj. En sia poemo “Mi” Imre Baranyai sincere konfesas:

Mi volas esti homo nura,
Libera de la rudimentoj,
En kiu brulas fame pura
Fratamo al la homaj gentoj.

Mi, Imre Baranyai (Emba)

La poeto Jaume Grau Casas (1896-1950), kataluno, urbestra sekretario, dum multaj jaroj ĉefredaktoro de la revuo “Kataluna Esperantisto”. Li multe verkis en Esperanto, en kataluna kaj en hispana lingvoj. Grau dediĉis poemon al Julio

Baghy, en kiu li sekvas la etoson de la poemoj de Baghy. La poeto levas sian poezian voĉon por paco, justeco kaj feliĉo por la homaro.

Sopiro je nobla perfekta homaro,
Ne plu makulita de sang’ kaj mizer’:
De paco, justeco, feliĉ’ – granda maro
Tra tuta la ter’.

Al Julio Baghy, Jaume Grau Casas

En Esperanto estas poemoj, kiu montras, ke ne ĉiam oni povas esprimi sian homecon kaj solidarecon. Dum la teruraj militaj jaroj la homoj ne povis, malgraŭ sia deziro, helpi al homoj, kiuj suferis pro la krueleco, kiuj pereis kaj oni sincere bedaŭris, ke en tiuj ĉi dramecaj momentoj restis senpovaj. Tio emocie estis esprimita en la poemo “Al la juda foriranto” de Lodewijk Cornelis Deij, nederlandano, havenlaboristo. Li aktivis en laborista Esperanto-movado kaj liaj poemoj, artikoloj, recenzoj aperis en diversaj Esperanto-revuoj.

Kun kapo klinita la kofron li portis.
Li iris la vojon al Auschwitz kaj mortis
Sen protesto... Li povis nur miri,
Ke mi, la kristano, lin lasis foriri.

Ni sentis kompaton kaj monon kolektis
Dum kelkaj el ni la infanojn protektis.
Sed Auschwitz ekzistis! Nu, kion plu diri?
Ke mi kaj ke vi... ni lin lasis foriri.

Al la juda foriranto, Lodewijk Cornelis Deij

La Esperantaj poetoj ĉiam esperis, ke post la kruelaj jaroj, post la sangaj militoj denove estos paco kaj denove la homoj povus unuigi kaj kune krei unu grandan rondon familian kiel diris Zamenhof. Tiu ĉi kredo kaj espero en la paca estonteco, kie regos humaneco kaj solidareco ni vidas en la poemo “Mi metos kandelon” de Poul Thorsen kiu estas dano, instruisto, aperigis originalajn poemojn kaj tradukojn el la dana. Li kunredaktis “Etan Krestomation” kaj estis kunfondinto de la Komuna Konversacia Klubo en Kopenhago kaj direktoro de la Esperanta eldonejo “KOKO”. En sia poemo “Mi metos kandelon” Thorsen emfazas:

Ĉe mia fenestro en nuna vespero
Tri brulajn kandelojn mi metos.
Memore al sange naskita libero
Solene la flamo ripetos:
Pacon vi sankte promesis
Ĉu vi la ĵuron forgesis?

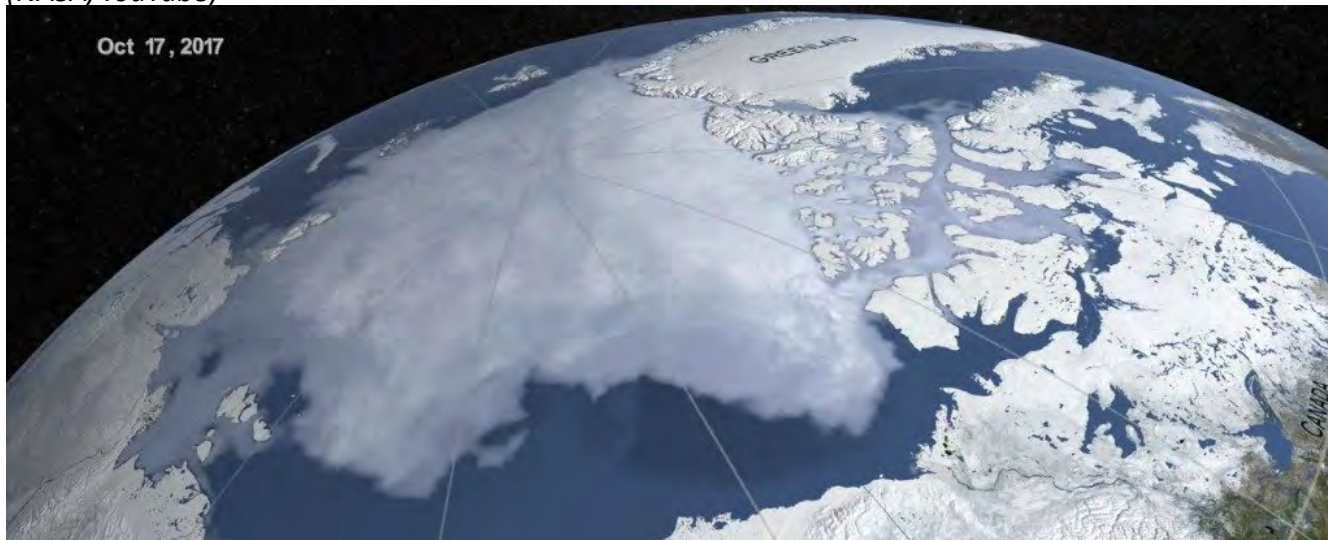
Mi metos kandelon, Poul Thorsen

Ni, la esperantistoj devas esti fieraj, ke pere de nia lingvo Esperanto ni servas al la plej noblaj idealoj de la homaro, la humaneco kaj solidareco.

Julian Modest

Degelado de Arkta Glacio ne pliigas marnivelejn. Sed ĝi ankoraŭ efikos nin

(NASA/YouTube)



Usonaj registaraj sciencistoj raportis je lundo ke flosanta glacia kovraĵo de la Arkta Oceano ŝrumpis ĝis sia dua plej malalta mezuro ekde kiam la satelitaj registroj komenciĝis en 1979.

Ĝis ĉi tiu monato, frostigita verta ĉapo de Tero nur unu foje dum la lastaj 42 jaroj kovris malpli ol 4 milionoj da kvadrataj kilometroj (1.5 milionoj da kvadrataj mejloj).

La tendecino klaras: marglacia ampleksiĝo malkreskis 14 procentoj jardeke dum tiu periodo.

Esploristoj raportis en Nature Climate Change lasta-monate ke, Arkto povus vidi sian unuan senglacian someron jam en la jaro 2035.

Sed ĉiuj tiuj degelantaj glacio kaj neĝo, ne rekte pli altigas marnivelejn pli ol degelantaj glaciaj kuboĵoj faras glason da akvo superflui, kio starigas mallertan demandon: kiu zorgas?

Koncedite, tio estus malbona novaĵo por polusaj ursoj, kiuj jam estas sur glita vojo de estingiĝo, laŭ freŝa esploro.

Kaj prave, tio certe signifus profundan ŝanĝon en la maraj ekologiaj sistemoj de la regiono,

ekde fitoplanktonoj ĝis balenoj.

Sed se nia plej grava zorgo estas la efiko sur homaro, oni vere povas legiteme demandi: “do kio?”

Ŝajnas ke estas multnombraj kialoj por zorgi pri la konsekvencoj de malpliĝo de Arkta marglacio.

Reagoj

Sciencistoj diras: “eble la plej baza punkto por rimarki estas ke malpliĝanta bankizo ne estas nur simptomon de tutmonda varmiĝo, sed ankaŭ ĝian pelilon.”

Marco Tedesco, geofizikisto de Tera Instituto de Universitato de Columbio diris al AFP: “Forigo de mara glacio elmontras malhelan oceanon, kiu kreas potencon reagan mekanismon.”

Ĝus falinta neĝo reflektas 80 procentojn de la radiaktiva forto de la suno reen al spaco.

Sed kiam tiu spegul-simila surfaco estas anstataŭigita de profunda blua akvo, ĉirkaŭe la sama procento de Tero-varmiga energio estas anstataŭe sorbita.

Kaj ni ne estas parolantaj pri poŝtmarka regiono ĉi tie: la diferenco inter la averaĝa minimuma bankizo el 1979 ĝis 1990 kaj la malalta punkto hodiaŭe raportita - pli ol 3 milionoj da kvadrataj kilometroj - estas duoble pli granda ol Francujo, Germanujo, kaj Hispanujo kune.

La oceanoj jam trempis 90 procentojn de la troa varmeco generita de homfaritaj forcejaj gasoj, sed kun terura kosto, inkluzive ŝanĝita kemio, amasaj maraj varmondoj kaj mortantaj koralaj rifoj.

Sciencistoj avertas ke, en iu momento, la likva varmega spongo simple povas saturiĝi.

Ŝanĝantaj marfluoj

La kompleksa klimata sistemo de la Tero inkluzivas interligajn marfluojn movitajn de vento, tajdoj kaj io nomata la termohalina cirkulado, kiu mem estas funkciigita de ŝanĝoj en temperaturo ("termo") kaj salkoncentriĝo ("halino").

Eĉ malgrandaj ŝanĝoj en ĉi tiu Granda Oceana Transportbendo - kiu moviĝas inter polusoj kaj trans ĉiuj tri ĉefaj oceanoj - povas havi ruinigajn klimatajn efikojn.

Antaŭ preskaŭ 13 000 jaroj, ekzemple, dum la Tero transiris el glaciepoko al la interglacia periodo kiu permesis al nia specio prosperi, tutmondaj temperaturoj subite plonĝis plurajn celsiajn gradojn.

Ili resaltis denove proksimume 1 000 jarojn poste.

Geologia indico indikas ke malrapidiĝo en la termohalina cirkulado kaŭzita de masiva kaj rapida enfluo de malvarma, dolĉa akvo de la arkta regiono estis parte kulpa.

"La dolĉa akvo de degelanta marglacio kaj surgrunda glacio en Grenlando perturbas kaj malfortigas la Golfan Marfluan", parto de la transportbendo fluanta en Atlantiko, diris Xavier Fettweis, esplorkunlaboristo ĉe la Universitato de Lieĝo en Belgio.

"Jen kio permesas al okcidenta Eŭropo havi temperitan klimaton kompare kun la sama

latitudo en Nordameriko."

La masiva glacitavolo sur la termaso de Grenlando vidis netan perdon de pli ol duontriliono da tunoj pasintjare, ĉio el ĝi fluanta en la maron.

Male al marglacio, kiu ne pliigas marnivelon kiam ĝi degelas, drenaĵo de Grenlando faras.

Tiu rekorda kvanto ŝuldiĝis parte al pli varmaj aertemperaturoj, kiuj pliigis duoble pli rapide en la Arkto ol por la tuta planedo.

Sed ĝi ankaŭ estis kaŭzita de ŝanĝo en veterŝablonoj, precipe pliigo de sunaj someraj tagoj.

"Kelkaj studoj sugestas, ke ĉi tiu pliigo de kontraŭciklonaj kondiĉoj en la Arkto somere rezultas parte de la minimuma amplekso de la marglacio," Fettweis diris al AFP.

Ursoj sur maldika glacio

La nuna trajektorio de klimata ŝanĝiĝo kaj la apero de senlacaj someroj - difinitaj de la Interregistara Spertularo pri Klimata Ŝanĝiĝo de Unuiĝintaj Nacioj klimatscienca panelo kiel malpli ol 1 miliono da km² - ja malsatigos polusajn ursojn ĝis la fino de jarcento, laŭ julia studo en Nature.

"La mondvarmiĝo kaŭzita de homoj signifas, ke la polusaj ursoj havas malpli kaj malpli da marglacio por ĉasi en la someraj monatoj," diris al AFP Steven Amstrup, ĉefaŭtoro de la studo kaj ĉefsciencisto de Polar Bears International.

"La finfina trajektorio de blankaj ursoj kun nereduktita forceja gaso estas malapero."

Tradukita de: Ali Moradi

Reviziita de: Ronaldo Negromonte

Fonto(Angla): <https://www.sciencealert.com/while-arctic-ice-melt-doesn-t-increase-sea-levels-it-still-impacts-us-here-s-how>

پیام انجمن جهانی اسپرانتو به مناسبت

روز جهانی رفع تبعیض نژادی، ۲۱ مارس ۲۰۲۳

سازمان ملل متحد از بدو تأسیس خود برای رفع تبعیض نژادی تلاش کرده است و این اصل زیربنای تمامی اسناد بین‌المللی حقوق بشر است. اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت بیان می‌کند که «همه انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و از نظر حیثیت و حقوق با هم برابر هستند» و به طور خاص تبعیض بر اساس نژاد را ممنوع می‌کند. اگرچه قوانین و رفتارهای نژادپرستی در بسیاری از کشورها لغو شده است، اما نژادپرستی از بین نرفته است و در هر کشوری مردم، و جوامع از این بی‌عدالتی رنج می‌برند.

اساسنامه انجمن جهانی اسپرانتو (UEA) که در سال ۱۹۴۷، یک سال قبل از اعلامیه جهانی حقوق بشر، پذیرفته شده بود، خاطرنشان کرد که "روابط بین‌المللی خوب و احترام به حقوق بشر شرایط ضروری برای کار UEA است." این یک اصل اساسی کار ما است که به طور کامل اعلامیه جهانی حقوق بشر را در بر می‌گیرد.

مبارزه با نژادپرستی متعلق به همه ماست. دولت‌ها، سازمان‌ها و مردم نه تنها باید حقوق همگان را به رسمیت بشناسند، بلکه باید آن را تایید کنند. اگر بخواهیم از نژادپرستی جلوگیری کنیم و در نهایت آن را ریشه کن کنیم، به قوانین، آداب و رسوم و نگرش‌های جدید نیاز داریم. در سال ۲۰۲۱، گزارش کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، دستور کار عدالت و برابری نژادی را با چهار نکته پیشنهاد کرد:

- پایان دادن به فرهنگ‌های انکار و از بین بردن نژادپرستی سیستماتیک از طریق تغییرات ساختاری، نهادی و رفتاری
- پایان دادن به مصونیت از مجازات و ایجاد اعتماد؛
- گوش دادن و احترام به فعالان ضد نژادپرستی؛
- مقابله با گذشته و تسریع در رسیدگی.

کنوانسیون بین‌المللی رفع تمامی اشکال تبعیض نژادی، تبعیض نژادی را چنین تعریف می‌کند: «هر گونه تمایز، طرد، محدودیت یا ترجیح بر اساس نژاد، رنگ، تبار، یا منشاء ملی یا قومی». این تبعیض‌ها به اشکال مختلف، اغلب از نظر زبانی نیز رخ می‌دهد. اخیراً گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور اقلیت‌ها، فرنان دو وارنس، اعلام کرد که حقوق زبان برای اقلیت‌ها و مردم بومی حیاتی است: «زبان‌ها ابزاری ضروری برای برقراری ارتباط و به اشتراک گذاشتن دانش، حافظه و تاریخ هستند، اما همچنین کلید مشارکت کامل و برابر هستند.»

حذف نژادپرستی و هرگونه تبعیض برای ایجاد دنیایی بهتر برای همه - جهانی از آزادی و برابری - ضروری است. ما باید برای پیشرفت خود، از جمله پیشرفت زبانی، به سوی همزیستی هماهنگ، درک متقابل و همبستگی، همکاری کنیم.

دفتر انجمن جهانی اسپرانتو برای ارتباط با سازمان ملل متحد:

www.esperantoporun.org

پیام انجمن جهانی اسپرانتو به مناسبت

روز جهانی خانواده، ۱۵ مه ۲۰۲۳

انجمن جهانی اسپرانتو، یک سازمان غیردولتی در مشارکت با سازمان ملل متحد، روز جهانی خانواده، ۱۵ مه ۲۰۲۳، را به سازمان ملل متحد و یونسکو تبریک می‌گوید. واحد خانواده، عنصر اساسی در سازماندهی جامعه انسانی است، جایی که کودکان تربیت و تغذیه می‌شوند، جایی که افراد برای حفاظت از فرزندان خود و تغذیه عشق خود، با یکدیگر متحد می‌شوند و جایی که سالمندان پشتیبانی شده و همزمان، مشارکت خود را نیز دارند. احترام به حقوق بنیادی انسانی، نیازمند آن است که ما، به عنوان افراد و دولت‌ها، خانواده را حمایت کنیم و همچنین آن را به عنوان الگوی احترام، اعتماد و درک معرفی کنیم.

در سال ۱۹۹۴، هنگام جشن یادبود جهانی خانواده توسط سازمان ملل متحد، انجمن جهانی اسپرانتو نقش مهمی را در سازماندهی کنفرانسی در گراتس، اتریش با همکاری سازمان ملل متحد در رابطه با خانواده‌های بین‌المللی ایفا نمود. در پی آن، در ماریبور، اسلوانی، جلسه‌ای برای خانواده‌های اسپرانتوزبان برگزار شد.

به زودی سی‌سالگی این سال ویژه سازمان ملل متحد، که تأثیر مثبتی داشت، فرا خواهد رسید. در سال جاری، به مناسبت روز خانواده، سازمان ملل متحد به مسائل جمعیتی توجه خواهد کرد. در پایان سال ۲۰۲۲، جمعیت جهان به هشت میلیارد نفر رسید. دبیرکل سازمان ملل متحد، آقای آنتونیو گوترش، این واقعیت را "نقطه عطفی در تکامل انسان" نامید؛ زیرا این وضعیت ناشی از بهبود سامانه‌های بهداشتی و پیشرفت در پزشکی بوده است و نه از رشد شدید جمعیت. در واقع، بهبود شرایط زندگی انسان‌ها، به کاهش نرخ باروری منجر می‌شود.

اما اگر رشد تعداد کل افراد در جهان به همین نحو ادامه پیدا کند، منابع به گونه‌ای تحت تنش قرار خواهند گرفت که منجر به کاهش سطح رفاه انسانی خواهد شد و نرخ باروری نیز دوباره افزایش خواهد یافت. ما در یک لحظه حساس هستیم که نیازمند همکاری کامل دانشمندان و سیاستمداران در سراسر جهان برای همزمانی پیشرفت خانواده‌ها و تعادل جمعیت جهانی هستیم.

انجمن جهانی اسپرانتو، اعضا و سازمان‌هایی را در سراسر جهان دارد - افرادی که به آسیب‌پذیری سیاره ما و اهمیت ارتباطات جهانی در حل مشکلات جهانی آگاه هستند. ما در خانه‌های خود، زبان‌های مختلف را صحبت می‌کنیم، اما به دلیل اینکه زبان مشترک "خانوادگی" داریم، "دایره خانوادگی" را تشکیل می‌دهیم (با استفاده از کلمات بنیادی بنیانگذار ما - unu rondon familian). هدف ما اختصاص دادن این زبان بین‌المللی به حل مسائل جنگ و صلح، حقوق بشر و اعتماد انسانی است. ما با سازمان ملل متحد و یونسکو همدردی می‌کنیم تا خانواده‌ها را در سراسر جهان حفاظت، تقویت و پیشرفت دهیم و تعادل بین انسان‌ها و منابع را برای رفاه جمعی ایجاد کنیم.

برای دسترسی به اخبار گذشته از انجمن جهانی اسپرانتو، به وب سایت uea.org/aktuale/komunikoj مراجعه کنید.

لینک مستقیم به پیام: <https://uea.org/gk/1104>

Pola Esperantisto

La revuo Pola Esperantisto aperis en 1906 en Lvovo komence kiel organo de la loka Esperanto-Societo. Ekde 1908 ĝi estis eldonata en Varsovio kiel organo de la polaj esperantistoj. Ĝis 1914 ĝia ĉefredaktoro estis Leon Zamenhof, frato de la kreinto de Esperanto. En la komencaj jaroj de la 1-a mondmilito (kaj kelkfoje en postaj jaroj) Pola Esperantisto ne aperis aŭ aperis neregule.

Post la 2-a mondmilito ĝis 1990 Pola Esperantisto estis eldonata kiel organo de Pola Esperanto-Asocio. Post kelkajara interrompo Pola Esperantisto reaperis en 2004 en la eldonejo HEJME (Kazimierz Leja) kiel soci-kultura magazino ne ligita kun PEA. En 2008 Pola Esperantisto revenis al PEA kiel ĝia organo kaj ĝis 2012 estis eldonata en Nowy Sącz, la tiama sidejo de PEA (Halina Komar, Danuta Kowalska). Dum 2012 ĉefredaktoro estis Barbara Pietrzak. Ekde 2013 la redakcio de Pola Esperantisto troviĝas en Lodzo. La nuna ĉefredaktoroj estas Robert Kamiński kaj Teresa Nemere.

Pola Esperantisto (diversmaniere en sia pli ol 100-jara historio) servis al la legantoj per informoj pri la pola kaj monda E-movadoj, la agado de polaj esperantistoj. Ĝi publikigis lingvajn konsilojn kaj gramatikajn klarigojn. Signifan rolon ludis en ĝi la originala E-literaturo kaj tradukoj, artikoloj pri Pollando. Notindas, ke kiel tradukisto debutis en ĝi konata pola poeto Julian Tuwim per siaj E-tradukoj de poeziaĵoj de Leopold Staff, Kazimierz Przerwa Tetmajer kaj Juliusz Słowacki.

Aktuala koresponda adreso de la Redakcio estas: Pola Esperantisto, ul. Gen. Wł. Andersa 37/59a, 00-159 Warszawa.

elektronike: rk-lodzo@poczta.wp.pl

La abono por 2023 pro 6 numeroj papere egalas al 24 eŭroj kaj ciferece (pdf) egalas al 10 eŭroj.

La ununura papera PE sendita eksterlande kostas 5 eurojn. La ununura cefereca PE sendita eksterlande kostas 2 eurojn

Polan Esperantiston eblas aboni pere de la konto en UEA: peaa-v.

معرفی یکی از نشریات دنیای اسپرانتو:

«اسپرانتودان لهستانی»

یکی از نشریات قدیمی دنیای اسپرانتو که گاه به صورت منظم و گاهی نامنظم منتشر شده است و هنوز هم منتشر می‌شود، مجله «اسپرانتیست لهستانی» (*Pola Esperantisto*) است. این مجله که هر دو ماه یکبار منتشر می‌شود در طول تاریخ بیش از صدساله خود، اطلاعات و اخبار جنبش اسپرانتو و فعالیت‌های اسپرانتودانان جهان و اسپرانتودانان لهستان را به نظر خوانندگان رسانده است. همچنین معرفی ادبیات اسپرانتو، آموزش نکات گرامری، مقالات متنوع در زمینه‌های گوناگون از جمله دیگر مطالب منتشر شده در این نشریه هستند.

تصویر روی جلد نخستین شماره این مجله در سال ۲۰۲۳ را در زیر مشاهده می‌کنید. در تماسی که اخیراً سردبیر این نشریه با مجله «سبزاندیشان» داشت، اظهار علاقه نمودند که «سبزاندیشان» را در شماره آتی *Pola Esperantisto* به خوانندگانشان معرفی نمایند. همین موضوع بهانه‌ای شد تا ما نیز از این شماره صفحه‌ای را به معرفی نشریات دنیای اسپرانتو اختصاص دهیم و به پاس قدردانی از سردبیر *Pola Esperantisto* این نشریه را در نخستین قسمت از این بخش معرفی کنیم. لازم به ذکر است که خوانندگان عزیز چنانچه مایل به آبونمان این نشریه باشند می‌توانند با پرداخت مبلغ آبنونه به صورت ارزی و یا معادل ریالی آن، مجله را از طریق انجمن اسپرانتوی ایران مشترک شوند. اشتراک یکساله این مجله به صورت کاغذی ۲۴ یورو و به صورت الکترونیکی ۱۰ یورو می‌باشد. نسخه‌هایی از شماره‌های گذشته‌ی *Pola Esperantisto* از سایت انجمن اسپرانتوی لهستان به آدرس www.esperanto.pl به صورت PDF قابل دانلود است.

1/2023
Januaro
Februaro
ISSN 0032-2431
Pola Esperantisto
Revuo de Pola Esperanto-Asocio

- Intervjuo kun artefarita intelekto
- Biblioteko Hodler iros al Pollando
- La novjara renkontiĝo en Bielsko-Biala

کۆنگره‌ی جیهانی ئیسپیرانتۆ



ئەرکی کۆنگره‌ی جیهانی ئیسپیرانتۆ (UK) ئەوێه، کەشیک دابین بکات بۆ ھاوڕێیەتی لە نیوان ئیسپیرانتیستەکان، ئەزموونکردنی کەش و ھەوای فەرھەنگی ئیسپیرانتۆ، ئەزموونکردنی گەشتیاری ولاتی میواندار، یارمەتیدانی ئیسپیرانتیستە بەئەزموونترەکان بۆ ئەوانە و نوێترن، ناسینی چالاکیەکانی ریکخراوەکان، وتار و وتووێژ و ھەستکردن بە بەھا ھاوبەشەکان لە نیوان ئیسپیرانتیستەکانی ولاتانی جۆر بە جۆر.

ریکخراوەی جیهانی ئیسپیرانتۆ ھەمووسالیک لەگەڵ ئەوێ ھەول دەدا، ریز لە دابەشبوونی جوگرافیایی و ھیزی ریکخراوەیی بزوتنە و ھەیکە بگریت، لە ولاتیکی جیاوازدا کۆنگرە بەرپۆ ھەبات.

دەستە بەرپۆ بەرایەتی ریکخراوەی جیهانی ئیسپیرانتۆ بریار لە سەر شوینی کۆنگرە

کۆنگره‌ی جیهانی ئیسپیرانتۆ (UK) بە پێی سالنامە ئێنجومەنی جیهانی ئیسپیرانتۆ، "خۆپیشاندانیکی جیهانی کۆمەلگە ئیسپیرانتۆیە" کە لە لایەن ریکخراوەی جیهانی ئیسپیرانتۆ (UEA) ریک دەخریت. فیستیڤالیکی فەرھەنگی، مەکوێکی سەرانسەری بزوتنە و ھەیکە، جەژنیکی گەشتیاری و کۆبوونە و ھەیکە پێشەیی دامەزرادەکانی ریکخراوەی جیهانی ئیسپیرانتۆ و ریکخراوە ئیسپیرانتۆییەکانی دیکە. تاکوو ھەشتەمین کۆنگرە (۱۹۱۲) بە "نیونەتەوێ" ناوی دەھێنرا، بەلام لە نۆیەمین کۆنگرە و ھەیکە (۱۹۱۳) بوو بە "جیهانی". ھاوشیوەی ریکخراوەی جیهانی ئیسپیرانتۆ (UEA) و کۆنگرە جیهانییەکی، ریکخراوەی سەرانسەری لاوانی ئیسپیرانتیستیش ھەموو سالیک کۆنگره‌ی جیهانی لاوان بەرپۆ ھەبەن و ھەروەھا ھەیکەتی مامۆستایانی ئیسپیرانتۆیش کۆنگره‌ی خویان ریک دەخەن.

پیکراوه که یه. به لام به ریوه بهری گشتی
پیکراوهی جیهانیی ئیسپیرانتو (UEA) هندیگ
برپاری گرینگ بو خوی تهرخان دهکات. جگه
له وهش زورجار ئه ندامیکی دهستهی کارگیری
UEA له سهر کولتورور یان کونگرهکان ههیه.

فه مانگه فه خریهکان بریتین له پاریزگاری بالا و
شوینیک له لیژنهی فه خری؛ رۆژگاریک سهرۆکی
کونگره یان سهرۆکی فه خری کونگرهیش هه بووه.
پاریزه ری بالا ده بیته بالاترین کهس بیته له
دهوله تی پیوه نیدار وهک سهرۆکی ویلایه ته که.

ئه ندامی کونگره ئه و کهسه یه که به فه رمی
به شداری کونگره که ی کرد بیته و پشکی خوی
دابیت.

به نامه

هه رچه نده به نامه که سال به سال ده گوردیته،
به لام با به تگه لیک هه ن که نه ریتیکی درێخایه نیان
هه یه، هه ندیکیان ده گه ریته وه بو کونگره ی یه که م
یان دووه م.

بونه کان

بونه سهره کییه کان بریتین له ریورپه رمی
ده ستبکاربوون و داخستن. سهره تای فه رمی
(و پاشان کوتایی) کونگره له لایه ن سهرۆکی
ئه نجوومه ن به کوتانی چه کوش راده گه یه نریت.
ئه م دوو ریورپه سمه تا راده یه ک شیوازیکی
جیگریان هه یه که زورجار له گه ل په سم و
یاسایه کی تایبه ته له بونه ی ئایینی به راورد
ده کریته.

بابه ته نه ریتییهکانی ده ستبه کاربوون بریتین له:

- به خیره اتن له لایه ن سهرۆکی پیکراوه ی
جیهانیی ئیسپیرانتو
- به خیره اتن و سلاو له لایه ن سهرۆکی
لیژنه ی کونگره ی ناو خوی و به رپرسیانی تر یان
میوانانی فه خری.
- وتاریژی بونه که، یان له لایه ن
سهرۆکه وه یان ئیسپیرانتیستیکی دیکه (زورجار

ده دات. هه روه ها به ریوه به ری گشتی پیکراوه که
رۆلیکی گرنگ ده گزیت، ئه و کهسه ی وا به لگه
پیوه نیدار هکان واژو ده کات، به لام کارهکانی
رۆژانه له سهر کونگره که له لایه ن سکریتی
هه میشه یی کونگره که وه ئه نجام ده دریت که
به رپرسی پیکراوه ی جیهانیی ئیسپیرانتو یه
له شاری رۆته ردام. له خودی ئه و شاره ی وا
کونگره که به ریوه ده چیت، لیژنه ی کونگره ی
ناو خوی وه ک هاوبه شی پیکراوه ی جیهانیی
ئیسپیرانتو کار ده کات. هه ندیک جار پیکراوه ی
جیهانیی ئیسپیرانتو ده ستبه ردار ی کونگره ی
ناو خوی ده بیته به تایبه ته ئه و کاته ی وا شاری
کونگره که شاری شوینی دانیشتنی پیکراوه ی
جیهانیی ئیسپیرانتو بیت.

سه ندووقه تایبه ته کان پیشکه شییهکانی ئه ندامانی
کونگره و ئیسپیرانتیستهکانی دیکه وه رده گرن. ئه و
پارانه ی وا وه کوو پیشکه شی پیش هاوین ده گه نه
ناوه ندی ئیداری پیکراوه ی جیهانیی ئیسپیرانتو
له کتیپی کونگره که دا ئماژه ی پیده کریته. ئه و
سندووقانه له سالی ۲۰۰۱ دا بریتی بوون
له بلیندوولا (بو یارمه تیدانی بزووتنه وه ی
ئیسپیرانتوی نابیناکان)، دایک و باوک (بو
پالپشتیکردنی کونگره ی جیهانیی مندالان)،
جیهانیی سییه م (بو پالپشتیکردنی به شداریکردنی
ئیسپیرانتیستهکانی جیهانیی سییه م) و سندووقی
گشتی (بو پشنگیریکردنی گشتی له پیکخستنی
کونگره).

کهسه کان

له دوا ی ریکه وتنی کۆلن له سالی ۱۹۳۴ (به
گورانکاری له یاسای پیکراوه ی جیهانیی
ئیسپیرانتو)، کونگره زور جار له لایه ن
پیکراوه که وه به هاوبه شی له گه ل لیژنه ی
کونگره ی ناو خوی (LKK) به ریکه وتن له گه ل
ئه نجومه نی نیشتمانی پیوه نیدار ریک ده خریته.
لیژنه ی کونگره ی ناو خوی (LKK) سهرۆک و
په نگه جیگری سهرۆک و سکریتیر و سندووقدار
و هه ندیک پۆستی دیکه ی هه یه.

له لایه ن پیکراوه ی جیهانیی ئیسپیرانتو وه
کاره سهره کییه کان له ده ستی سکریتی
هه میشه یی کونگره که دایه (KKS) که به رپرسیکی

که سیکی مهن و هه لکه وته).

• سلاوی ولاته کان، سلاوی نوینه رانی ولاتانی جوربه جوری ئه ندای کونگره.

له کوتاییدا به شیوهیه کی سهره کی راپورت له سهر دانیشتنه کانی کونگره و باس له براوهی خه لاته کان ههیه، بو نمونه له پیشبرکی هونه ره جوانه کان.

ههروهها پیشوازی له لایهن سهرۆکی شارهوانی و ئه ندامانی کومه له ی زامینهۆف (تهنیا بو میوانه بانگهیشترکراوه کان) ده توانریت به رپوره سم هه ژمار بکریت. جگه له وهش هه ندیک جار ئاهه ننگیپان ههیه، بو نمونه له پیوهندی له گه ل جه ژنی سالوه گه ره کان.

به رنامه بابتهی و پسپورییه کان

کونگره که ته وه ریکی ههیه که له کوبونه وه و گرووی جیادا باسی له باره وه ده کریت؛ واته دریزه ی "دانیشتنه گشتیهییه کان"، که کونگره تا سالی ۱۹۴۹ هه بیوو. جگه له وهش، زورجار وتار و پیناسه کان ده رباره ی ولاتی کونگره و کولتوره که ی و ههروهها خولیکی زمان ریک ده خرین. زوریک له ئه نجومه نه پسپورییه کان کوبونه وه ی سالانه ی سهره کی خویان له کاتی کونگره دا ههیه، هه ره وه ک لیژنه ی UEA و دهسته ی به رپوه به رانی UEA. بابته نه گوره کانی به رنامه که به شیوهیه کی نه ریتی بریتین له پیشبرکی هونه ره جوانه کان، رۆژانی کتیب، قوتابخانه، ئاشتی و خزمه تگوزاری کتیب.

له سالی ۱۹۲۵ به دواوه زانکوی کونگره ی جیهانی کار ده کات، له گه ل وتاردان له بابته جیاوازه کاندای له سهر ئاستی زانکو، له سالی ۱۹۷۸ به دواوه کونفرانسی ئیسپیرانتۆلۆژی، له سالی ۲۰۰۳ به دواوه دوشه ممه ی پهروه رده یی له گه ل وانه وتنه وه و رۆشنگه ری له سهر ته کنیک و شیوازه به سووده کان بو زانیاری ئیسپیرانتۆ و هاوشیوه کانی.

قاوه خانه ی زانست (SK) به شیکی هه میشه یی به رنامه ی کونگره جیهانییه کانی ئیسپیرانتۆیه (UK) که له لایهن ئه نجومه نی جیهانیی ئیسپیرانتۆ

(UEA) ریکه خریت و پیوهندی به زانکوی کونگره ی جیهانییه وه (IKU) ههیه. ئامانجه که ی پیشکه شکرندی وتاره زانستییه کانه له ئاستیکی باوتر له وهی که له چوارچیوه ی IKU پیشکش ده کرین. زنجیره که ی له سالی ۲۰۱۵ له سه ده مین کونگره ی جیهانی له شاری لیل ده ستیپیکرد، کاتیک به رنامه که ۱۰ وتاری له خو ده گرت که دابه شکرابوون به سهر دوو دانیشتنه له رۆژانی جیاوازا.

زانکوی کونگره ی جیهانی، قاوه خانه ی زانست، کوربه ندی پسپوران، و کونفرانسی ئیسپیرانتۆلۆژی بو یه که مجار له سالی ۲۰۲۲ له کاتی په تایی کوفیددا به شیوهیه کی تیکه لاو (حزوری و مه جازی) به رپوه چوو.

به رنامه فهره نگییه کان

ههروهها له رۆژانی ئاسایی کونگره دا گه شت و نمایشی هونه ری ئه انجام ده دریت، به لام رۆژی سهره کی گه شته کان رۆژی چوارشه ممه یه و گه وره ترین نمایشی هونه ری له ئیواراندا ئه انجام ده دریت، وه ک شانۆگه ری، کاباره یان کونسیرتی مؤسیقا. له ئیواره ی رۆژی یه کشه ممه، واته له سهره تایی کونگره دا، ئیواره ی نیشتمانی به رپوه ده چییت، که پیویسته کولتوری ولاتی میواندار بخریته روو و له کوتایی ئیواره که دا، ئیواره ی نیوده وه له تییه.

هه لوه شانده وه کان

کونگره ی جیهانیی ئیسپیرانتۆ له میژووی خویدا تهنیا دوو جار هه لوه شاوه ته وه. له سالی ۱۹۱۴، به هوی جهنگی جیهانیی یه که مه وه، له سالی ۲۰۲۰ به هوی په تایی قایروسی کورونا. له حاله ته کانی تردا یان گواستراوه ته وه یان به هیچ شیوهیه ک جیهانی نه کراوه. له سالی ۱۹۶۷ به هوی ململانیی نیوان ئیسرائیل و ولاتانی دهورووبه ری کونگره که له ته له بییه وه گواسترایه وه بو رۆته ردام. ئیسرائیل دوا جار تهنیا له سالی ۲۰۰۰ بووه میوانداری کونگره که. له نیوان سالانی ۱۹۱۶-۱۹۱۹ و ۱۹۴۰-۱۹۴۶ کونگره ی جیهانی نه بوو.

ليستی کونگره جيهانيه کان تا ئیستا و ئەوانه ی وا پلانیان بۆ دارپژراوه

ولاتی کونگره	شاری کونگره	سالی به رۆه چوون	ژماره ی کونگره
فره نسا	بولونیۆ چی مارۆ	۱۹۰۵	یه که م
سویره	جنیف	۱۹۰۶	دووه م
به ریتانیا	کامبریج	۱۹۰۷	سپهه م
ئه لمانیا	دریسدین	۱۹۰۸	چاره م
سپانیا	بارسیلون	۱۹۰۹	پینجه م
ئه مریکا	واشنتون	۱۹۱۰	شه شه م
به لجیکا	ئه نتورب	۱۹۱۱	حه وته م
نه مسا - هه نگاریا	کراکوڤ	۱۹۱۲	هه شتم
سویره	بیړن	۱۹۱۳	نوهه م
فره نسا	پاریس	۱۹۱۴	دهیه م
ئه مریکا	سانفرانسیسکو	۱۹۱۵	یازدهیه م
هۆله ندا	هاگ	۱۹۲۰	دوازدهیه م
چیکۆسلۆواکیا	پراگ	۱۹۲۱	سیزدهیه م
فینلاند	هیلسینکی	۱۹۲۲	چاردهیه م
ئه لمانیا	نورنیبرگ	۱۹۲۳	پازدهیه م
نه مسا	قیانا	۱۹۲۴	شاندهیه م
سویره	جنیف	۱۹۲۵	حه قهیه م
به ریتانیا	ئه دینبورگ	۱۹۲۶	هه ژدهیه م
شاری ئازادی دانسیگو	دانسیگو	۱۹۲۷	نۆزدهیه م
به لجیکا	ئه نتورب	۱۹۲۸	بیسته م
هه نگاریا	بوداپیست	۱۹۲۹	بیست و یه که م
به ریتانیا	ئۆکسفۆرد	۱۹۳۰	بیست و دووهه م
پۆله ندا	کراکوڤ	۱۹۳۱	بیست و سپهه م
فره نسا	پاریس	۱۹۳۲	بیست و چواره م
ئه لمانیا	کۆلن	۱۹۳۳	بیست و پینجه م
سوید	ستۆکهۆلم	۱۹۳۴	بیست و شه شه م
ئیتالیا	فلورانس، رۆما، ناپۆل	۱۹۳۵	بیست و حه وتم
نه مسا	قیه نا	۱۹۳۶	بیست و هه شتمه م
پۆله ندا	قه رشۆ	۱۹۳۷	بیست و نوهه م
به ریتانیا	له ندهن	۱۹۳۸	سییه م
سویره	بیړن	۱۹۳۹	سی و یه که م
سویره	بیړن	۱۹۴۷	سی و دووهه م
سوید	مالمۆ	۱۹۴۸	سی و سپهه م
به ریتانیا	بورنموتۆ	۱۹۴۹	سی و چواره م
فره نسا	پاریس	۱۹۵۰	سی و پینجه م
ئه لمانیا	میونشن	۱۹۵۱	سی و شه شه م
نورویج	ئۆسلۆ	۱۹۵۲	سی و حه وته م
یوگۆسلاقیا	زاگریب	۱۹۵۳	سی و هه شتمه م
هۆله ندا	هارلیم	۱۹۵۴	سی و نوهه م
ئیتالیا	بۆلۆنیا	۱۹۵۵	چلۆم

دانیمارک	کۆپنهاگ	۱۹۵۶	چل و یه که م
فره نسا	مارسیی	۱۹۵۷	چل و دووهه م
ئه لمانیا	ماینز	۱۹۵۸	چل و سییه م
پۆله ندا	قه رشۆ	۱۹۵۹	چل و چواره م
به لجیکا	برۆکسل	۱۹۶۰	چل و پینجه م
به ریتانیا	هارۆگات	۱۹۶۱	چل و شه شه م
دانیمارک	کۆپنهاگ	۱۹۶۲	چل و حه وته م
بولگاریا	سۆفیا	۱۹۶۳	چل و هه شته م
هۆله ندا	هاگ	۱۹۶۴	چل و نۆهه م
ژاپۆن	تۆکیۆ	۱۹۶۵	په نجاهه م
هه نگاریا	بوداپیست	۱۹۶۶	په نجا و یه که م
هۆله ندا	رۆتیردام	۱۹۶۷	په نجا و دووهه م
سپانیا	مادرید	۱۹۶۸	په نجا و سییه م
فینلاند	هیلسینکی	۱۹۶۹	په نجا و چواره م
نه مسا	قیه نا	۱۹۷۰	په نجا و پینجه م
به ریتانیا	له ندهن	۱۹۷۱	په نجا و شه شه م
ئه مریکا	پۆرتلاند	۱۹۷۲	په نجا و حه وته م
یوگۆسلاقییا	بیۆگراډ	۱۹۷۳	په نجا و هه شته م
ئه لمانیا	هامبورگ	۱۹۷۴	په نجا و نۆهه م
دانیمارک	کۆپنهاگ	۱۹۷۵	شه سته م
یۆنان	ئاتن	۱۹۷۶	شه ست و یه که م
ئایسله ندا	ریکیافیک	۱۹۷۷	شه ست و دووهه م
بولگاریا	قارن	۱۹۷۸	شه ست و سییه م
سوئیسرا	لۆسیرن	۱۹۷۹	شه ست و چواره م
سوید	ستۆکھۆلم	۱۹۸۰	شه ست و پینجه م
برازیل	برازیلیا	۱۹۸۱	شه ست و شه شم
به لجیکا	ئه نترۆب	۱۹۸۲	شه ست و حه وته م
هه نگاریا	بوداپیست	۱۹۸۳	شه ست و هه شته م
که نادا	قانوۆه ر	۱۹۸۴	شه ست و نۆهه م
ئه لمانیا	ئاوگسبورگ	۱۹۸۵	حه فتاهه م
چین	پیکین	۱۹۸۶	حه فتا و یه که م
پۆله ندا	قه رشۆ	۱۹۸۷	حه فتا و دووهه م
هۆله ندا	رۆتردام	۱۹۸۸	حه فتا و سییه م
به ریتانیا	برایتۆن	۱۹۸۹	حه فتا و چواره م
کوبا	هاقانا	۱۹۹۰	حه فتا و پینجه م
نۆرویج	بییرگن	۱۹۹۱	حه فتا و شه شه م
نه مسا	قیه نا	۱۹۹۲	حه فتا و حه وته م
سپانیا	قالینسیا	۱۹۹۳	حه فتا و هه شته م
کۆریای باشوور	سیئوول	۱۹۹۴	حه فتا و نۆهه م
فینلاند	تامپیرئ	۱۹۹۵	هه شتاهه م
چیک	پراگ	۱۹۹۶	هه شتادویه که م
ئۆستۆرالییا	ئادیلاید	۱۹۹۷	هه شتادو دووهه م
فره نسا	مۆنیپلییر	۱۹۹۸	هه شتادو سییه م

ٲه لمانيا	بيړلين	١٩٩٩	هه شتادو چوارهم
ٲيسرائيل	ته له ٲيب	٢٠٠٠	هه شتادو ٲينجه م
كرواٲيا	زاگريٲ	٢٠٠١	هه شتادو شه شه م
برازيل	فورٲاليز	٢٠٠٢	هه شتادو حه وٲه م
سويد	گوٲينبيرگ	٢٠٠٣	هه شتادو هه شته م
چين	ٲيڪين	٢٠٠٤	هه شتادو نو هه م
ليٲوانيا	ڦيلن	٢٠٠٥	نه وٲه ته م
ٲيٲاليا	فلورانس	٢٠٠٦	نه وٲه و يه كه م
ژاپون	يوكوهاما	٢٠٠٧	نه وٲه و دوو هه م
هوله ندا	رورٲرام	٢٠٠٨	نه وٲه و سيٲهه م
ٲوله ندا	بياليسٲوك	٢٠٠٩	نه وٲه و چوارهم
كووبا	هاڦانا	٢٠١٠	نه وٲه و ٲينجه م
دانيمارك	كوٲنهامگ	٢٠١١	نه وٲه و شه شه م
ڦيهٲنام	هانوي	٢٠١٢	نه وٲه و حه وٲه م
ٲايسله ندا	ريڪياڦيڪ	٢٠١٣	نه وٲه و هه شته م
ٲه رجهٲنين	بوٲنيس ٲايرس	٢٠١٤	نه وٲه و نو هه م
فرهنسا	ليل	٢٠١٥	سه ته م
سلوڦاڪيا	نايٲرو	٢٠١٦	سه ته و يه كه م
كووريٲاي باشوور	سيٲوول	٢٠١٧	سه ته و دوو هه م
ٲورٲگال	ليسبون	٢٠١٨	سه ته و سيٲهه م
ڦينلانڊ	لاهه	٢٠١٩	سه ته و چوارهم
ٲينٲيرنيٲ	كوٲنگره ي مه جازي	٢٠٢٠	سه ته و ٲينجه م
ٲينٲيرنيٲ	كوٲنگره ي مه جازي	٢٠٢١	سه ته و شه شه م
كه نادا	موٲنٲرال	٢٠٢٢	سه ته و حه وٲه م
ٲيٲاليا	ٲوورين	٢٠٢٣	سه ته و هه شته م
ٲانزانيا	ٲارووش	٢٠٢٤	سه ته و نو هه م

سه رچاوه: https://eo.wikipedia.org/wiki/Universala_Kongreso_de_Esperanto

109-a UK • Arușo • Tanzanio



Seán Ó Riain

عالم ما بعد الأسبرانتو - ما الذي يمنعنا من تحقيق ذلك؟



الدكتور Seán Ó RIAIN (من مواليد ٥ نوفمبر ١٩٥٥ في Tipperary ، Tiobraid Árann) هو دبلوماسي إيرلندي وإسبرانتي. منذ عام ٢٠٠٢ ، كان رئيسًا لاتحاد الإسبرانتو الأوروبي (EEU).

التحيز الشائع هو الاعتراف الرسمي بالأسبرانتو المستقلة كجزء من تراثها الثقافي. هذا ما فعلته بولندا في ٢٠١٤ وكرواتيا في ٢٠١٩. هل يمكن لإيران الاعتراف رسميًا بالأسبرانتو؟

«تهدف الإسبرانتو إلى استبدال اللغات الأخرى». في كتابه Mein Kampf (كفاحي) ، كتب الديكتاتور الألماني أدولف هتلر أنه «عندما يتولى اليهود السلطة في العالم بأسره ، لتسهيل حكمهم للعالم ، فإنهم سيفرضون الإسبرانتو على الجميع ، ويدمرون الجميع. اللغات والثقافات الوطنية» في كتابته هذا ، عبر هتلر عن مشاعر وخوف الكثير من الناس ، وليس المتطرفين السياسيين فقط. من المفارقات إلى حد ما أن يخشى الناس من أن الإسبرانتو يمكن أن تدمر لغاتهم الوطنية ، لكنهم لا يدركون الخطر الحقيقي الذي لا يأتي من الإسبرانتو ولكن من اللغة الإنجليزية. في الآونة الأخيرة ، بدأ المزيد والمزيد من الناس يفتحون أعينهم على هذا الخطر ، على سبيل المثال ، يدرس البرلمان الإيطالي الآن قانونًا للدفاع عن لغتهم الخاصة في إيطاليا ، ولمعارضة تحويل اللغة الإيطالية إلى اللغة الإنجليزية.

إن حجم الأموال التي يتم إنفاقها في جميع أنحاء العالم على تدريس اللغة الإنجليزية ، خاصة منذ عام ١٩٤٥ ،

أعزائي الأشخاص المتشابهين في التفكير، أصدقائي الأعزاء،

إنه لشرف كبير ويسعدني أن أتحدث مرة أخرى في مؤتمر الإسبرانتو في إيران ، وأشكر أحمد بصدق على الدعوة. تتمتع إيران بسمعة طيبة في النشاط الممتاز للإسبرانتو على مدى عقود عديدة ، وأنا سعيد جدًا لاستمرار هذا النشاط.

يتفق جميع المتحدثين بالإسبرانتو على أن العالم الذي قام بالفعل بتكييف الإسبرانتو كلغة دولية سيكون عالمًا أفضل وأكثر عدلاً. لقد عملنا على إنشاء مثل هذا العالم لأكثر من خمسة أجيال. ما هي العوامل التي تعيق تقدمنا؟ وكيف يمكننا التغلب على هذه العقبات على أفضل وجه؟

ما هي أهم العقبات التي تحول دون انتشار الإسبرانتو ، وكيف نتغلب عليها؟

وفقًا لتجربتي ، فإن العقبة الرئيسية تكمن في فكرتين عنيدتين: (أ) أن «الإسبرانتو ليس لها ثقافة» ؛ (ب) أن الإسبرانتو تهدف إلى استبدال اللغات الأخرى. دعونا نتعامل معهم واحدًا تلو الآخر.

«ليس للإسبرانتو ثقافة»: العلاج الأكثر فعالية ضد هذا

القصيرة لتحسين تعلم اللغة بشكل عام. لسوء الحظ ، فإن غسيل الدماغ باللغة الإنجليزية قوي جداً في أوروبا لدرجة أن المؤتمر تجاهل الاقتراح التعليمي الأكثر شعبية ، واستبدله بتوصية بأن يصل جميع الأطفال في أوروبا إلى مستوى مقبول في اللغة الإنجليزية!

MLA. كما تعلم ، فإن أحدث برنامج لإظهار ميزات تسهيل التعلم للإسبرانتو هو برنامج مسرع متعدد اللغات ، بتمويل من المفوضية الأوروبية في ٢٠١٨ إلى ٢٠١٩. كان هذا البرنامج لطلاب المدارس الابتدائية الذين تتراوح أعمارهم بين ٨ و ٩ سنوات في ٣ مدارس ابتدائية في بلغاريا وكرواتيا وسلوفينيا. قامت بتدريس كمية مختارة بعناية ومحدودة للغاية من الإسبرانتو ، من أجل تسريع وتحسين التعلم اللاحق للغات الأخرى. ابتكار مهم: تم تصميم المشروع للمعلمين الذين لا يتحدثون الإسبرانتو بأنفسهم ، ويمكن تنفيذه من قبلهم بعد دورة تدريبية مدتها أسبوع واحد. انتهى المشروع الآن وتم تحقيق جميع أهدافه.

في ديسمبر ٢٠٢٢ ، نشرت لجنة الثقافة والتعليم التابعة للبرلمان الأوروبي (CULT) دراسة مهمة بعنوان «نهج الاتحاد الأوروبي للتعددية اللغوية في سياسة الاتصال الخاصة به». تؤكد الصفحات ٨٤-٨٥ من الدراسة على أهمية تعلم اللغة الثانية ، وتستشهد ببرنامج MLA كمثال.

يمكن تنزيل الدراسة من:

[http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2022/699648/IPOL_STU\(2022\)699648_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2022/699648/IPOL_STU(2022)699648_EN.pdf)

يمكن العثور على الملخص الرسمي باللغة الإنجليزية هنا:

[https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2022/699648/IPOL_STU\(2022\)699648\(-SUM01\)_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2022/699648/IPOL_STU(2022)699648(-SUM01)_EN.pdf)

مهم للغاية: يبدو أن تقديم الإسبرانتو كميصر لتعلم اللغات الأخرى طريقة فعالة بشكل خاص لتدمير الاعتقاد الخاطئ بأن الإسبرانتو تهدف إلى استبدال اللغات الأخرى. دعونا نقدم الإسبرانتو كصديق لتعدد اللغات وتعلم لغة أكثر فعالية!

بكل سرور سأستمع إلى تعليقاتكم ، وأحاول الإجابة على أسئلتكم.

<http://www.surveylang.org/fr1>

٢- رد المفوضية الأوروبية على سؤال أثناء عرض نتائج SurveyLang ، بروكسل ٢٠١٣.

ضخم وغير قابل للحساب تقريباً. إذا كنت تؤمن بالدعاية التي تُسمع كثيراً ، فستعتقد أن «الجميع يتحدث الإنجليزية بالفعل». يعرف أي شخص عاش في بلد لا يتحدث الإنجليزية أن هذا ليس صحيحاً. كثير من الناس في العديد من البلدان يعرفون القليل من اللغة الإنجليزية ، لكن أقلية صغيرة فقط تعرفها جيداً بما يكفي لتكون مرتاحاً في استخدامها. الأرقام الموضوعية الوحيدة التي لدينا لأوروبا، على سبيل المثال، SurveyLang ٢٠١٢، اختبرت الإنجازات في اللغات الأجنبية حتى المستوى B٢ فقط، «لأن أولئك الذين يصلون إلى المستوى C١، ناهيك عن C٢، أقل من ١٪ (النسبة المئوية) من الطلاب».

على الرغم من أن الكثيرين يعززون هذا الفشل إلى ضعف تعلمهم للغة ، فقد يكون السبب الحقيقي هو الصعوبات الخفية العديدة للغة الإنجليزية. من الصعب للغاية إتقان اللغة الإنجليزية بعمق ، كلغة أم ، من قبل جميع السكان ، ويمكن أن تنتج فقط نخبة تتحدث الإنجليزية بطلاقة ، باستثناء غالبية السكان. أظهرت تجربة بلدي هذا بوضوح: لكي يتحدث جميع السكان الإنجليزية بطلاقة ، كان علينا التخلي عن لغتنا الوطنية ، الأيرلندية (اللغة الغيلية).

إحدى نتائج هذا الفشل هي الجمود الاقتصادي في أوروبا ، على سبيل المثال ، والذي يتضح من حقيقة أن ٢٪ فقط من مواطني الاتحاد الأوروبي يعيشون ويعملون في بلدان أخرى غير بلدانهم الأصلية. على الرغم من أن الاختلافات اللغوية ليست السبب الوحيد لهذا التنقل المنخفض ، فمن الواضح أنها عامل رئيسي.

أخبرني أحد اللغويين ذات مرة أنه إذا تم تحويل ١٠٪ فقط من نفقات تعليم اللغة الإنجليزية في العالم إلى تعليم الإسبرانتو ، فسيكون هناك نتيجتان: أولاً ، بعد جيل واحد ، سيتمكن جميع الناس في العالم من التحدث مع بعضهم البعض بطلاقة وبسهولة وثانياً ، سيزداد مستوى معرفة اللغة الإنجليزية بالفعل ، ولن ينخفض! قد يحدث هذا بسبب خصائص الإسبرانتو التمهيدية أو التي تسهل التعلم.

نشرت المفوضية الأوروبية (Eurydice) في أبريل ٢٠٢٣ نتائج دراسة حول تدريس اللغات الأجنبية في أوروبا. يوضح هذا التقرير فشل سياسة الاتحاد الأوروبي بشأن التعددية اللغوية ، لأن ٩٨,٣٪ من الأطفال في مدارس دول الاتحاد الأوروبي يتعلمون اللغة الإنجليزية ، وأن تعلم اللغة الأجنبية الثانية يتسم بالركود. هذه ليست أوروبا متعددة اللغات ، إنها أوروبا ناطقة بالإنجليزية.

مؤتمر المواطنين حول مستقبل أوروبا ، ٢٠٢١-٢٠٢٢. في هذا المؤتمر ، حدث أهم إنجاز حديث لمجتمع الإسبرانتو في أوروبا. تلقى المؤتمر أكثر من ١٦٠٠٠ اقتراح من المواطنين في جميع أنحاء أوروبا. في مجال الثقافة والتعليم ، كانت الفكرة الأكثر شيوعاً هي اقتراح MLA الخاص بنا ، فيما يتعلق باستخدام دورات الإسبرانتو

*Transe de glacia monto
staras ĉarma ĝardeno,
tien, birdo fluge
transiras.*

ورای کوه یخی
باغ زیبایی هست
بدان سو، پرندہ ای پروازکنان
عبور می کند.

Ángel Arquillos López (Esperanta poeto en Malago, prezidanto de la Hispana Eo-federacio)

